

امثال آن معروف هستند ولی وقتی که از تسعیم گرفت کو کالات جزو کار دوانی نیست باید کاری است ملی و انتشاری و مخصوصاً مذاکرات ذیادی در این باب شد که با آن آنچیزیستگه بوكیل داده می شود مقرری است یا غیر مقرری و بالاخره قرار شد مقرری و کبیل بلطف مدد معاش تبدیل شود در هر صورت این مدد معاش بیک هدایه است موقنی و بیک انتشاری هم داده می شود که اصلاً در خدمت دولت نیستند بلی اشخاص که داخل در خدمات دولتی هستند و از دولت مقرری می کنند دیگر آنها نباید ازدواج بول بکنند.

وای کسیکه مستخدم دولت نیست و بیک شفای انتشاری را بر عجده میگیرد (در صورتی که اداره معاشرت در جرائم غایبت سخت کنند) بیک جزوی مدد معاش بوكیل داده می شود.

به رجهوت بندۀ هم مثل آنای قبیل الملاک بدون نظریه مانعه شخصی عرض میکنم اولاً یعنیکه اینجا می نویسد هیئت شوری مجلس شورای ملی را جزو هیئت شوری نمی داشم.

و ثانیاً این شهریه هم که بوكلا داده می شود آن از مقرری نمی باشد و قیمت این است که این وجه مدد معاش است.

رئیس - آقای تدبین (اجازه) قیمت - بندۀ تصور می کنم کلمه اجتماعی از کلمه بلدی بهتر باشد ذیرا اداراتی که از طرف ملک تأسیس میشود که یکی از آنها اجمعنای ایالتی و ولایتی است اکر اسم آنها را اداره اجتماعی میگذاریم بهتر است و اگر فقط لفظ بلدی باشد شامل اجمعنای ایالتی و ولایتی نمی شود و اگر بهمین جهت است که درین اقلایی نوشته شده است (مانند بلدی) ولی نسبت با ظهار این که راجع به هیئت شوری میشود بندۀ در لفظ حرفی ندارم هیئت شوری تباشد مجلس شورای ملی باشد یا طور دیگر نوشته شود باین کار ندارد ولی در اصل مطالب حرف دارم اینه مجلس مقامش خیلی عالی است و در سابق هم در همین موضوع صحبت شد و مجلس هم رد کرد بسیار خوب است.

محمد هاشم هیوزا - مجلس رد نکرد

قیمتیں - آقا فرمودند مجلس رد کرد بندۀ هم عرض کرد و گزنه در آن موقع که بندۀ بودم ولی در اینجا موضوع تقدیم شد. فرق کرده است ما میخواهیم در اینجا ای اینه بدهیم که بطور کلی هر کس در ادارات دولتی یا بلدی یا اجتماعی مستمری داشته باشد و نهند چه طوری می توانیم خودمان را مستثنی کنیم این مسئله هیچ منطق ندارد کسیکه خودش خرما میخورد نمی تواند سایرین را از خوردن خرما منع کند و در مجلس سابق هم این مذاکرات بوده و

امثال آن معروف هستند ولی وقتی که از تسعیم گرفت شغل خود منفصل شده است البته بتوپیه سایق حقوق یا مستمری خود را دریافت میداردند ولی نامدی که درینکی از ادارات مستخدم هستند از اخذ شهریه و مستمری معروف خواهند بود.

رئیس - آقای تدبین مخالفت قیمتیں - خیر، انتقام و قیمت - آقای عبارالله صالح چهارم

هم واقعیت و قیمتیں - آقای وحدت الله شهناز موافقید باعث انتقام

و حبیش الاله العالیه بنده مخالفتم و تغییر پیش مایه

و حبیش الاله العالیه بنده باعث انتقام این ماده مخالفتم در اینجا مبنوی شد در ادارات دولتی یا اجتماعی من این نقطه را درست

نمی قیم که مقصود از اجتماعی جوست در بین اهلالین می نویسد مانند بلدی ما که امروز غیر از ادارات دولتی بلدی و دیگر اداره اجتماعی نداریم

در اینجا نقطه ادارات اجتماعی بگوییز تازه است و خوداین نقطه باید بیک تعریفی داشته باشد باعث انتقام اینجا مبنوی شد اداره اینها همچنان که درینکی توکل دارند

او را قسم کرد باید نصف مستمری او را باود داد. اینست که بنده بیشتر این ماده خارج

است و برای مجلس شورای ملی اختراع شده است و برای معروف مانند که این که در ادارات دولتی مستخدم هستند از مستمری

یا شهریه اینجا بطور توکل شود کسانی که در ادارات دولتی باعث انتقام اینها همچنان که درینکی این دارای مستمری دیداری خدمت

هستند اگر دارای مستمری دیداری باشند شهربانی باشند به نسبت مدتی که در شغل

دولتی باقی هستند از اخذ مستمری باشند همچویه خواهند بود لیکن اگر مبالغ مقرری

ماعینه کمتر از شهریه بیکمهه و با دفتر از یک دوازدهم کند مستمری سایر اداره باشد

در این صورت از مازاد آن استفاده خواهند نمود

منشی - اینکه آقای فهیم الملاک فرمودند که اهلال هیئت شوری و دربار

سلطنتی را از این ماده خارج کنند البته تصمیم خواهند فرمود که کلیه جویی گرفته

می شود از بیک نقطه است و در واقع از مایه ملت است یعنی نهاد فناوری یعنی ای اینه ادارات و دربار ملطفتی و مجلس گذاشت

موافق ولی بعنوان اینکه بیک نایند چون مقرری نایند کنی می گیرد اگر مستمری دارد تباره بگیرد با این مسئله کامل مخالفتم و این مسئله بمحض سکته وارد می آورد و چنانکه اول در لایحه حقوق اعفاء دربار هم اسم برده بودند ولی بعد درینکه حقوق اعفاء دربار هم بعضی شده من سلطان

است و ما حق نداریم که از آنجا تحقق کنیم و بجهت اینها می شود که در آنها هستند حقوق آنها پنجاه تومان است یا سه تومان

یا چهار است به حال بناء با این قسم مخالفند

مخالف - دلیل قرائت نمودند

رئیس - آقای عمار مخالف

و حبیش الاله العالیه بنده بیک

سؤال داشتم

رئیس - دلیل بفرمایی

و حبیش الاله العالیه بنده می خواستم سوال کنم مأخذ صد درصد است یا تدبیر دیگری دارد

منشی - مأخذ کلیه مستمری است که دارند با ک cioè حقوقی که با اینها برداشته می شود و اگر حقوق بیش از مستمری است که فقط حقوق را من کند ندوای اینها مستمری زیادتر از حقوق است حقوق و مازاد مستمری را دیگریات می دارند

رئیس - آقای فهیم الملاک (اجازه)

فهیم الملاک - بنده با وقوصت

عدد این ماده مخالفم زیرا اینجا می نویسد اشخاصی که در ادارات دولتی یا اجتماعی و با در هیئت شوری دارای مستمری خدمت

هستند اگر دارای مستمری دیداری گردند هم در ردیف مستخدمین دولت محسوب

میشوند بنده مخالف این مسئله هستم

توصیه عرض می کنم که مشخص بنده نه

مستمری و نه شهریه دارم در اینه دارم دوم هم برای اینه بندۀ مستمری دیداری گردند

ولی بنده در فنچلر کردم و تا امروز هم هیچ اسمش را نبرده ام و شاید تهدیق هر فایده که برای بنده ممکن هم بوده است و میتوانستم تهدیق نهاده باشند توکلی توکل صادر کنم معهده نکردم و فناز جز حقوق مجلس دیگری ندارم و امیدوارم کامن

موافق ولی بعنوان اینکه بیک نایند چون رئیس - کسی مخاالف است (اثلهاری نزد) رئیس - رأی من گیریم که دادن درشور مواد بشویم آفایان که مراقب شدند نهایم فرمایند .

(اعلب آفایان قیام نمودند) رئیس - تهدیق شده ام اول قرائت می شود

آقای منک آراء بشرح ذیل قرائت نمودند

رئیس - آقای عمار مخالف

و حبیش الاله العالیه بنده بیک

سؤال داشتم

رئیس - دلیل بفرمایی

و حبیش الاله العالیه بنده می خواستم سوال کنم مأخذ صد درصد است یا تدبیر دیگری دارد

منشی - مأخذ کلیه مستمری است که دارند با ک cioè حقوقی که با اینها برداشته می شود و اگر حقوق بیش از مستمری است که فقط حقوق را من کند ندوای اینها مستمری زیادتر از حقوق است حقوق و مازاد مستمری را دیگریات می دارند

رئیس - آقای فهیم الملاک (اجازه)

فهیم الملاک - بنده با وقوصت

اعداد این ماده مخالفم زیرا اینجا می نویسد اشخاصی که در ادارات دولتی یا اجتماعی و با در هیئت شوری دارای مستمری خدمت

هستند اگر دارای مستمری دیداری باشند شهربانی باشند به نسبت مدتی که در شغل

دولتی باقی هستند از اخذ مستمری باشند همچویه خواهند بود لیکن اگر مبالغ مقرری

ماعینه کمتر از شهریه بیکمهه و با دفتر از یک دوازدهم کند مستمری سایر اداره باشد

در این صورت از مازاد آن استفاده خواهند نمود

منشی - اینکه آقای فهیم الملاک فرمودند که اهلال هیئت شوری و دربار

سلطنتی را از این ماده خارج کنند البته تصمیم خواهند فرمود که کلیه جویی گرفته

## روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی

حسن قرائت می شود  
(آقای ملک آرالی قرائت نمودند)  
بنده پیشنهاد می کنم کاین تبصره در  
ذیل  
ماده ۱ - الحال شود .  
تبصره - ماده فرق شانمی مستخدمین  
در بار سلطنتی هم خواهد بود .  
سبد تضليل آشنازی حاج سید حسن  
رئیس - تمام این اصلاحات ارسان  
می شود به کمیسرین ماده دوم قرائت  
پیشود

## (شرح ذیل قرائت شد)

ماده ۵۰ - مستمری کلیه اشخاصی  
که بنای خرج تقدیمیل یا بثادرین دیگری در  
حق اولاد آنها و یا اشخاص دیگری برقرار  
شده است در صورتی که مستمری مزبور  
مدارج قانونی راضی کرده باشد بخود آن  
ها عزالت نموده و مشمول ماده اول خواهد  
بود

رئیس - شاهزاده سليمان میرزا  
موافقند

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی  
چهاردر

حجاج میرزا هر قصی - بنده

مختاری

رئیس - بفرمانده

حجاج میرزا هر قصی - ماده دوم

می گوید مستمری کلیه اشخاصی که بنام  
خرج تقدیمیل یا بثادرین دیگری در حق

ارولاد آنها و یا اشخاص دیگری

برقرار شده است در صورتی که مستمری

مزبور مدارج قانونی را طی کرده باشد

بخود آنها عزالت نموده و مشمول ماده اول

خواهد بود برای به حقوق آن اشخاص بر -

میگردد و مشمول ماده اول خواهد بود

سین احمد مختاریان . کویا آقا مایه

دوم رادرست ملاطفه نموده اند بعضی

اشخاص برای اینکه از قانون وظایف (که

قریبی برای مستمری اشخاصی که فوت

می شوند قرار داده) ماف باشند امداد

در این اتفاق بعنوانی مختلف تسویه نامها

صادر گردد اند و حقوق های خودشان را

در باره اول زیارت کسان خودشان با اسم خرج

تقدیمیل و غیره برقرار گردانند و چون این

موشروع برخلاف قانون وظایف است و آن

قریبی را قانون وظایف ترار داده هست

حقوق متفاوت مقادیری کسر و چند ساله

در حق ورثه برقرار می شود در باره این

حقوق وفتار نمی شود باین ملاحظه کمیسرین

رأی داد در صورتی که این قبول حقوق

مدارج قانونی را طی کرده باشد بخود

آنها بگردد و ماده اول این قانون در

باره آنها اجرا شود

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله

میرزا و آقای حاج این التجار و آقای  
جلیل الملک و آنان نسین قرائت  
می شود

(ترتیب ذیل قرائت شد)

مقام معتبر ریاست مجلس

این بنده پیشنهاد می نمایم که قسمت

اول ماده اول - انتخاب اسلام

ماده اول - انتخاب که در دربار و

کاریه سلطنتی و ادارات دولتی یا

اجتماعی

رئیس - پیشنهاد آقای سنتشار

السلطنه هم قرائت می شود

(شرح آن قرائت شد)

این بنده در ماده اول بجانب مدارج

قانونی تسویه مجلس شورای مای پیشنهاد

مینمایم

مسئلۀ اسلام

رئیس - پیشنهادی است ازطرف

آقای وعبدالملک خواندن شود

(بعضیون ذیل شوانده شد)

بنده پیشنهاد می کنم که ماده اول

طریق ذیل نوشته شود

ماده ۱ - اکسانیکه در ادارات دولتی

موظفان مشغول خدمت هستند اگر دارای

مستمری دیوانی یا شیوه باشند به نسبت مدتها

که در نفل دولتی باقی هستند از اینهاست .

یا شهربازی محروم خواهند بود لیکن آنکه باخ

مقرری ماهیانه کمتر از شهربازی یا کمتر از

سالیانه باشد در اینصورت از مازاد آن

استفاده خواهد نمود

خالق فیض الملک

رئیس - پیشنهاد شاهزاده اقبال

السلطنه قرائت می شود

(بعضیون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم ترمیعه ذیل

بماده اول دلاوه شود

۱ - مأخذ سنجش مستمری یا حقوق

اداری بعایله تومنی یک تومن خواهد

بود .

۲ - مستمریات دیوانی بدوارده

تقسیم شده باشد قیمت اداری منبعده

خواهد شد

۳ - اشخاصی که حقوق اداری آنها

از بست تومن تجاوز نمایند وهمچنین

معامین مدارس دولتی حق استفاده از مستمری

و حقوق اداری وحق التعلمی را از اینهاست .

دانست .

عبدالله معتبدالسلطنه

رئیس - پیشنهادی است ازطرف

آقای سید فاضل و آقای حاج شیخ محمد

مجلس شورای ملی از هیئت شورای مستثنی

شود با اینمشروع هم کاملا مخالف

امتیازاتی که نمایندگان دارا هستند

امتیازاتی است که نانوی به آنها داده و

انفاری است که ملت آنها را بناشند کی

انفای اموده و گرمه باشندگونه امتیازات

که از قانون مملکتی مستثنی باشند بنده

مشایع و حقوقی ام این است که

در این قسم مطلب باید همه مساوی

باشند

رئیس - چند نه پیشنهاد اسلام

رسیده است قرائت می شود

پیشنهاد آقای فیض الملک

اول قرائت می شود

(شرح ذیل قرائت نمودند)

بنده پیشنهاد می کنم که ماده اول

بطريق ذیل نوشته شود

ماده ۱ - بکسانیکه در ادارات دولتی

مستمری دیوانی یا شیوه باشند به نسبت مدتها

که در نفل دولتی باقی هستند از اینهاست .

یا شهربازی محروم خواهند بود لیکن آنکه باخ

مقرری ماهیانه کمتر از شهربازی یا کمتر از

سالیانه باشد در اینصورت از مازاد آن

استفاده خواهد شد

خالق فیض الملک

رئیس - پیشنهاد شاهزاده اقبال

السلطنه قرائت می شود

(بعضیون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم ترمیعه ذیل

بماده اول دلاوه شود

۱ - مأخذ سنجش مستمری یا حقوق

خدمت آنها کمتر از سی تومن در همه

مستمری دیوانی آنها مبلغ است که بعداز

کسرور در سال پنجاه ترمان عاید آیدی پیشود

از هر دو حقوق استفاده می نماید

اقبال اللطفان - اقبال اسما

و آقای - آقای آقا سید محمد تقی

طباطبائی موافقند یا مخالف

آقا سید محمد تقی - موافق

رئیس - آقای دلخواه تومنی بنده

هم موافقم

رئیس - آقای اقبال اللطفان هم

موافقند .

تصویب نشده است ولی اینکه بفرمایند

مقردی بوده واسم آن تغییر کرده و مدد

معاش شده است اینها تمام الفاظ است یا

قدرتی باید از اینها از خارج شد حقیقت

جز بود این ماهیت تومنی است که از خارج

دادرس میگیرد و مددی باید از خارج شد

این بولی که ب مجلس مسدود شد غیر از بولی

است که از ملت گرفته میگرد و هم چنین

بولیکه بدربار یا سایر ادارات دولتی داده

می شود تمام آنها ملت باید بدینها

این باید همچو اینها در اینجا

مددی باید اینها در اینجا باشند

بعقیده این غلط است بلی یک ملت

معنوی در اینجا هست که اینها بازده

بماند ولی اینماده قانون باید شامل تمام

اشخاص باشد و در این وضع بندے یک

پیشنهادی هم گردام

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله

موافقند .

آقا سید محمد تقی - موافق

رئیس - آقا سید محمد تقی

حاج میرزا علی مختاری

آب



**مستشار السلطنه**. بنده از تو پیغایی که آفای مخبر دادنده قاسم نشدم زیرا مقصود بنده از بیانات و فرمایشات ایشان مداخل نمیشود اینجا در ماده سوم می‌نویسد (جمع دویا) بنده شغل موظف منوع است مگر آنکه ضرورت اتفاقاً کند)

بسیار خوب؛ اولاً باید دانست تشخیص ضرورت را کی باید بدene اگر شخص هیئت دولت است که همین تشخیص را می‌دهد دیگر جمله ضرورت اتفاقاً کند لازم نیست در هر حال این ماده بنظر بنده هم است پیشنهادی در اینه... وضعی نوشته و تقدیم کردہام حاکی از اینکه فقط نوشته شود جمع دویا چند شغل منوع است مگر در وارد ذیل

همچو - حضر تعالی در اینجا اشتباه میفرمایند بطوریکه آنده هم هر ضرورت این موارد ذیل ترتیباتی است که اگر ضرورت اتفاقاً کرد ویکنفر دو شغل رجوع شد آنوقت باید باید ترتیب رفتار شود مثلاً اگر یکی از مأمورین دولتی رتبه و شغل مأدون خود را متکلف شد چه شکل دارد یا اگر بالعکس رتبه مأ فوق و بالاتر خود را عهده دار شود چه صورت دارد اینجا نوشته شده نمی‌تواند دویا سه شغل را اداره کند مگر در وقت ضرورت اما اگر ضرورت اتفاقاً کرد ورتبه مأدون را مأ فوق خود را متکلف شد حقوقی بتریبی است که در فقرات ذیل نوشته شده در بعضی ولایات و شهر هاکه چنان اهمیتی ندارد ممکن است دو سه اداره را بیک نفر مأمور سپه و نظر باینکه نفعه چنان مهی نیست نمی‌شود چند مأمور مختلف از چندوزارت خانه فرمانده شود اینجا هاردي است که ضرورت اتفاقاً میکند دو سه شغل بیک نفر مأمور و اگذار شود والا مجبور نیستم جو تما چند شغل را بیکنفر مأمور و اگذار کنیم این فقط برای مواردی است که دولت ضرورت آنرا احساس کند

**رئيس** - در قسمت اول سوم مذکورات کافی است یانه جزء اول فرقاً من شود

(به همین ذیل فرقاً شد) هر یکی از مأمورین دولتی که شغل و رتبه مأدون خود را موقتاً متکلف باشد حق دارد تمام حقوق شخصی ونصف حقوق رتبه مأدون خود را دریافت دارد

**رئيس** - آفای فیض الملک

(اجازه)

**فیض الملک** - این ترتیبات ثلاثة را بنده مخالف اینجا نوشته شده است هر یک از مأمورین دولتی که شغل مأدون خود را متکلف باشد تمام حقوق شخصی ونصف حقوق رتبه مأدون را خواهد گرفت و اگر کفالت کار بالاتری را قبول کند نصف از حقوق شخصی ونصف از حقوق آنکس را که قائم مقام اوست حق دارد دریافت نماید، لذاً در صورتی که دو شغل مساوی

اوقات اداری خود تجارت یا کار دیگری بگند ربطی با نمی‌سئله ندارد

**رئيس** - آفای ارباب کیهشیرو (اجازه)

ارباب کیهشیرو - بنده خواستم سوال همکنم که سطر اول دارای چند قسم است

**رئيس** - سطر اول عبادت از این

است که جمیع دولتیها چند شغل موظف منوع است

ارباب کیهشیرو - در این قسم موافقم.

**رئيس** - آفای حاج هیرزا علی محمد دولت آبادی (اجازه)

**حاج هیرزا علی محمد دیلات آبادی** - این ماده سوم دارای چند قسم است در یک قسم می‌تواند همان خود که فانون اساسی مأمورین دولتی شغل ورتبه مأدون خود را موقت متکلف باشد حق دارد تمام حقوق شخصی ونصف حقوق رتبه مأدون خود را دریافت دارد بنده میتوانم بدانم آیا بن مواردی را هم که عرض میکنم جزء این

فرخه و نظر بحقوقی که در مقابل آن دریافت می‌کنم و نظر بمسئولیتی که دارند باید تمام اوقات در سرکار خود حاضر باشند فرضی اگر یکساعیت بیکار مانند باید کاری را که دولت مجاناً آنها رجوع میکند، مجاناً همه‌دار شود و برای جلوگیری از خرج و تحریط مالیه مملکت این ترتیبی که عرض دیپیس اولی دارد وزارت خانه دیگری را هم عهده‌دار شود منظور کمیسیون و مذکون این لایحه این است که علوه بر حقوقی که

بریس وزراء داده بشود نصف حقوق

آن وزارت خانه هم باید با داده شود یا غیر

فقط همان حقوق ریاست وزرائی را مذکون

خود میدارد اگر اینطور است بنده مخالف

با اینکه دولت خانه بیک نفر و زیر سپرده

شود و مایل وزارت خانه جزء وزارت خانه

دیگر شود و دو حقوق بکیرد فرضی اگر

وزیر دامنه وزارت بست و نگران راهم

قبرل نموده و عهده‌دار شود باید حقوق یک

وزارت خانه با داده شود ولی اگر حقوق

یک وزارت خانه را بکیرد بنده موافقم ولی

اگر برای هر وزارت خانه حقوق علیحده

بکیرد کمان ندارم اینکار مطابق صلاح و

صرف دولت باشد بنده مخالف

همچو - اساساً یک وزیر نمی‌تواند

دو وزارت خانه را هم اداره کند و برای هر

وزارت خانه یک وزیر مخصوص نزد است

ولی شخص رئیس وزراء بطوریکه در

کمان میکنم جوابش را خود ماده بدهد

این ترتیبی که تجارت میکند بهیچ

حقوق از دولت نمیگیرد و مربوط بدولت

شده است

**رئيس** - آفای مستشار السلطنه

(اجازه)

**رئيس** - آفای حائزی زاده (اجازه)

**حائزی زاده** - بنده هم با جمله

آخر این ماده مخالفم و همین جمله اول کافی

است باید نوشته شود جمع بادو شغل موظف

منوع است و بقیه عبارت این ماده حذف

شود زیرا همین طوریکه قانون اساسی

راجع بوزراه و کلاه و روایی معاکم

عدلیه تصریح می‌کند که هیچ یک حق زدارند

شغل دیگری غیر از آنکه رارند اختیار

کنند این قانون را باید ما نسبت به تمام

مستخدمین دولت اعمال واجراء کنیم چنانچه

تا بحال ملاحظه شده اشخاص بودند که

بواسطه یاری در وزارت خانها وارد شده

مشاغل مهم و کرسی های عالی را اشغال

کرده و اسباب زحمت و در درس شده اند

لذا بنده گمان میکنم همان خود که فانون

اساسی وزراء را از داشتن دو شغل موظف

منوع کرده است باید تمام مأمورین دولت

راهم از داشتن دویا چند شغل موظف محروم

کرد زیرا آنها تمام وقت خود را بدولت

فروخته و نظر بحقوقی که در مقابل آن

دریافت می‌کنم و نظر بمسئولیتی که دارند

باید تمام اوقات در سرکار خود حاضر باشند

فرضی اگر یکساعیت بیکار مانند باید کاری

را که دولت مجاناً آنها رجوع میکند، مجاناً

همه‌دار شود و برای جلوگیری از خرج و

تحریط مالیه مملکت این ترتیبی که عرض

کردم اولی است و بنده عقیده دارم نوشته

شود و جمع دو شغل موظف باهم در هر صورت

منوع است

همچو - برای همان جلوگیری از

خرج و تحریط مالیه دولت بود که افشا شرورت

در اینجا ذکر و قبول شد

**رئيس** - خطاب باقای کازرانی با

سطر اول مخالف

**آقا هیرزاده علی کازرانی** - بنده

سؤالانی داشتم

**رئيس** - بفرمائید

**آقامهیرزاده علی کازرانی** - بنده

می‌خواستم بفرمائید آیا بن شغل

و مذاکره شد فقط شغل دولت است یا

شامل هذلهای دیگر از قبل تجارت و غیره

هم بشود خوب است آفای مخبر این

مسئله را توضیح بدهند چون همین قدر

بنده معتقدم که یک نفر دو شغل متباین

نماید داشته باشد

**هیرزاده** - این سوال که فرمودند

کمان میکنم جوابش را خود ماده بدهند

این ترتیبی که تجارت میکند بهیچ

حقوق از دولت نمیگیرد و مربوط بدولت

شده است

**رئيس** - آفای مستشار السلطنه

(اجازه)

نماید در این صورت فرقاً ذیل مرعن خواهد شد.

**رئيس** - در ماده سوم قبل از فرقاً

کسی مخالف است یا خیر

آفای فیض الملک

(اجازه)

**فیض الملک** - اولاً منافق که در

ماده دوم نوبت به بنده نرسید که عقیده

خود را در این ماده عرض کنم ولی راجع

باده سوم گمان می‌کنم کمی بسیرون بودجه

حساب نکرده است که این فرقاً

رئیس - صعبت در فرقاً نیست در

ماده سوم قبل از فرقاً است اکنون در آن

مخالف هستید بفرمائید.

**فیض الملک** - خیر در این قسم

هر ضمیمان

رئیس - کسی در این قسم مخالف

نیست.

**حائزی زاده** - بنده مخالف

رئیس - آفای مستشار السلطنه

(اجازه)

**هایزه** - من فرمودند جمع

در مواردیکه ضرورت اتفاقاً کند اگر مقصود

همین سه قسم است که در ذیل این ماده

نوشته شده است دیگر لفظ ضرورت لازم

نیود می‌نوشتند بوجب فرقاً ذیل و اگر

مقصود غیر از اینها است که خوب بود

توضیع می‌داند بنده کلمه ضرورت

را یک لفظ غیر محدود می‌دانم که بفرموده

آفای مخبر کش دار است و میشود هر قسم

تفصیل ایشان قائل شد

**هایزه** - عرض میکنم این فرقاً

تلگراف کارفوالد عاده یا اداره یست را  
بکند و مطابق آن بودجه که نوشته شده  
این مشاغل وک حقوقی خواهد داشت و از  
روی همان بودجه مطابق این فقرات رفتار  
خواهد شد

وئیسی — چنانچه آقایان موافقند  
جلسه چند دقیقه تمطیل شود

در این موقع جلسه برای نفس تمهیل  
ویس از نیمساعت مجدداً تشكیل گردید

وئیسی — آقای حاج شیخ اسماعیل با

جزء اول مخالف است

حاج شیخ اسماعیل — خیر بند

موافقم

وئیسی — آقای حائزی مزاده شما

جهانور؟

حائزی زاده — بند مخالفم

وئیسی — بفرمائید

حائزی زاده — آقای مخبر تو میخواهیم

دادند که بر مخالفت بند افزود قانون

اساسی در موضوع وزراء تصریح می‌کند

حق ندارند شغل موظف دیگری را مهدود دار

شوند آقای مخبر در ضمن اذکار اشان

فرمودند رئیس وزراء ممکن است یک

از استهای وزارت را شخص آمده دار شوند

علاوه بر حقوق رئیس وزراء به موجب ماده

اول نصف حقوق وزارت را دریافت نمایند

چون این مسئله مخالف بالاصل ۶۸ قانون

اساسی است این ترتیب نام صحیح است اصل

۶۸ قانون اساسی میگوید وزراء وظایفا

نمیتوانند خدمت یوگری غیر از شغل خودشان

در عینه کارند) بنابر این وزراء نمیتوانند

خدمت دیگری غیر از خودشان بهبود گیرند

ولی مهانی میتوانند است دیگری را مهدود دار

شوند ولی حقوق دو دارنخانه را نمیتوانند

دریافت کنند بلکه اکر بدو این این اصل

را اتخاذ کنیم همان مظلوماتی که آقای

ارباب فرمودند پیش میاید و رئیس ای از

برای اینکه از حقوق مادرن خود استفاده

کنند هبته ساعی خواهند بود مقام آن را

اشغال کنند بنابر این بند موافق نیستم

هنجنور — اینکه آقای حائزی زاده

فرمودند در قانون اساسی نوشته شده وزراء

نمیتوانند خیر از مقام خود داشت دیگری را

مهدهدار شوند بند هم سبقاً این را عرض

کرد ولی شخص رئیس وزراء غیر از این

وزراء است زیرا تو اندیست قوی یک روزه از

راهم شخصاً تقبل کند و قانون اساسی هم

این مسئله را نصیریع نمیکند که رئیس وزراء

حق ندارد یک وزارت را هم تقبل نمایند و

اما این که فرمودند بعضیها بوسیله پارتو

دوشنبه را انتقال می‌کنند این ماده هم برای

رفع همیش ترتیب نوشته شده است ولی

در بعضی مواقع در بعضی نقاط محدود

افتضا دارد که از نقطه نظر مصالح و منافع

دولت دو کار را یک مأمور رجوع کنند و

این ترتیب هم بیشتر در دولتیات واقع می‌شود

با اینکه یک نفر مأمور مخصوص برای اداره  
کردن اداره یست آنجا برود از اینجاست  
کار اداره برپیش تلگراف خانه یا رئیس  
مالیه با گمرک موافقاً گذار می‌کنند و این  
مسئله از هر حیث مقرر بصره و صلاح دولت  
است اما اینکه آقای فهیم الملک فرمودند  
از کجا بودجه آن پرداخته می‌شود البته  
این در صورتی است که بودجه مخصوص  
دانش باشد

وئیسی — آقای مستشار اساعده

مستشار السلطنه — بند همینطور

که عرض کرده لفظ موقتاً را موقتاً میدانم  
و این نظریه که کمی بیرون معتبر برای حسن  
جریان امور ادارات در نظر گرفته خوبی  
خوب است برای اینکه اگر فرضاً کسی  
غایب شد جانشین و قائم مقام داشته باشد  
و آن اظهاریم که بعضی از آقایان مخالفین  
فرمودند که این مسئله اسباب ذممت خواهد  
شد یعنی به اینه بدل است مأمورین ما فوق  
خواهد داد که در توجه مقام و رتبه مادرن  
خود را اشغال کنند گمان میکنیم این ترتیب  
در قانون استخدام مراعات و ملاحظه خواهد  
شد که اگر فرضاً مادرن میریض و از حضور  
در اداره مذور شد مدیر را پیش مادرن او  
موظف باشد وظف مادرن خود را انجام

دهد در هر حال بند معتقدم که این نظریه  
در ضمن قانون استخدام که امیدواریم دوست  
از مهبلس بگذرد تامین شود و دیگر مذاکره  
را پیش ازین در این پای زائد میدانم

هنجنور — چنانچه بفرمائید

وئیسی — بفرمائید

مستشار السلطنه — لازم است

بعد از یک موافق عرض می‌کنم

وئیسی — آقای محمد داشم میرزا

جهعاورد.

وئیسی — موافق

مستشار السلطنه — بند

وئیسی — آقای محمد داشم میرزا

هر چند این مومن عی که آقای فهیم الملک

فرمودند بنتظار اعفاء کمی بیرون بود

رسیده ولی پس از تبدیل نظر عقبه تان

این شد حکم آقای سهام السلطان بیان

فرمودند.

این مسئله اجباری نیست میگوید

کسی نمی‌تواند دو شغل موظف باشد از

باشد مگر در موقعی که ضرورت اقتضا

کند هبیج نمی‌گوید اگر توانست یامیل

نمادشت باز قبول کنند بیرا این مسئله احتیاطی

است اگر مایل شد شغل بالاتر را می‌گیرد

و در هر عنوان از حقوق کمتری استفاده میکند

و اگر کسی احتیاج داشت ممکن است کار

مادرن را اختیار کرده و از حقوق بیشتر

استفاده حکم اما مسئله که آقای ارباب

فرمودند باید دانست این مسئله ضرورت

آقایان کند بد شد عرض کرد و مثال همزدم

شاهزاده محمد داشم میرزا هم بنوبه خود

تو ضریع دادند حالاهم برای میزبان استهان

خاطر آقایان عرض میکنند بعضی نقاط اساساً

هست که فرستادن چند نفر مادرن باشند

زیادی است و ای دولت مضر دارد

برای هر یکی مأمور مخصوصی با

بودجه معین بفرستند مثل می‌بودند

ما یافوازد همچنان از این قبیل موارد که

بواسطه اهمیت کار فرستادن چند نفر مادرن

مختلف چندان ازومی ندارد از نقطه نظر

صرفة دولت ضرورت اتفاقاً دارد چندین

کار را به یک نفر و اگذار کنند مثلاً دیگر

میشود

با کت آنجا ارسال می‌شود ارزش ندارد

(اجازه)

ارباب کیهان و در آن فرمی

که می‌نویسد در ادارات دولتی هر کس

کمکی بدهیگری بگند بند مخالف نیستم

و معتقدم که اعضا ادارات باید بودیگر

کمک بگند ولی در اینکه اینجا تصریح شده

اگر شغل ما دون خود را اختیار کند تمام

حقوق رتبه مادرن خود را دریافت می‌کند

بنده مخالفم برای اینکه گمان میکنم که

این راه باز وفع باب شود دیگر اشخاص

زیر دست کمتر در اداره خواهند ماند اگر

هم بمانند خالان نباشد خود بد بود زیرا

اشخاص مانع می‌شوند آنها بهانه جدی

گردیده و حتی لامکان سعی میکنند که خودشان

آن مقام مادرن را اشغال کند و بنده با این

ترتیب را برای ادارات چه از نقطه نظر

مخالف و چه از نقطه نظر تغیر و تبدیل اجزاء

خوبی خطرناک می‌یشم

وئیسی — آقای مستشار السلطنه خانه

یا موافق

مستشار السلطنه — بند

بعد از یک موافق عرض می‌کنم

وئیسی — آقای محمد داشم میرزا

معروف است یا نه از استفاده از حقوق

دلال خارج است یا بمنزله مرخصی

یا اصلاً ازین رفته است که این را داشته باشد

دیگری که موقتاً کار او را کفالت

کرد وزارت راه حق داشته باشد خواهد

کفالتش یک حقوق می‌شود این استفاده

باشند مانع از احتمال برای او تصور کنیم

و با خبریار وزارت خانه متبعه او می‌گذارم

که اگر لازم بدانه نصف یا ثلث یا ربع

یا خمس حقوق شخص غایب را باست حق

از این معمد باشند

که شغل اورا کفایت میکند

بدهد باین معنی اگر کسی کاری را کفالت

میکند حق داشته باشد تمام حقوق خود را

بضمیمه آن حق را بخواهد این است

در این مورد اگر حقوق شهادت مقداری

کمتر باشد بکار رفته باشد و راضی خواهد بود

زیرا چندان نظری بمواجب ندارد ولی

اگر کسی مقام مادرن خواهد بود زیرا

## روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی

ندارد نفرستد یا باید هر کار جزئی یکنفر مأمور مخصوص فرستاد و بله اداره تشکیل بدهد در سورت دامی مبالغی ضرروخشارت دولت خواهد بود ولی اگر این ماده پسندید ملاحظه خواهد فرمود در صورتی که همچنان ناید نداشت باشد باز افلاتی پنجاه شصت هزار تومان معرفه دولت خواهد بود و خود این مسئله کمکی بخواهه دولت خواهد بود والبته تشخیص ضرورت هم با وزیر مسئول و با دولت خواهد بود و اگر باید وزارت خواهه ضرورت را تصدیق نمکرد البته دو شغل بیکنفر و اگذار خواهد شد اما اینکه میتواند در این لحظه ضرورت سوه استعمال خواهد شد اگر این سوه استعمال را در اینجا ما قائل شویم باید همچنان و در تمام بودجه ها قابل شویم هر این منحصر باین موقع میکنیم در تمام بودجه ها و در تمام قوانین ممکن است این نظریه مرآ داشته باشیم و هر ماده قانونی را که میخواهیم وضع کنیم همین نظریه را در او داشته و سوه ظن و سوه استعمال عمل کنیم همانطور که دولت هائی را که انتخاب می کنند طرف اعتماد و توقيع شما هستند همانطور مأموریتی هم که از طرف دولت ممکن است شما انتخاب و معین میشوند معمتم دولت خواهند بود و گمان می کنم اگر ما تا این بودجه سوه ظن نسبت به مأموریت خوده این داشته باشیم کار مشکل خواهد شد و همچنان ماده قانونی نباید بگذرانیم

**رؤیس - آقای غضنفرخان مخالفید**

**شهمیر خان - بلی**

**رؤیس - بفرمانید**

**شهمیر خان - آقای ارباب کپخوار و افتراضات وارد به فقره اول را کاملاً بیان کردند ولی بنده هرچند در صورتی که در اول کلامه موقت قید شده بعقیده بنده نسبت بکقبل فقط موقت مورد ندارد بلکه هر ماده مسنتی نکرده اند زیرا ممکن است باین فرمایه بدهی است تشخص و تبین این نوع چیزها مطابق مقتضیات وقت و محل است و اینکه آقای آذا میرزا مرتضی فرمودند اگر دو شغل را قبول کنند مجازی برای دولت کار کنند گمان ندارم هبجوت هبجوت هبج کسی پیدا شود که کاری را همیشه مجازی و بلاعوض قبول کند ما هبشه سامی هستیم که برای افعال و زحمت مردم مزد و باداش نائل شویم اما همین که اسم ادارات دولتی بیان میباشد میگوییم مأمورین دولت بایند مجازی کار کنند البته کسی که وقت خود را اصرف کاری می کند باید مزد داشته باشد و همانطور که وقت خود را بکار دیگری صرف می نماید اجر دارد همانطور اگر کار دولت را هم قبول کند باید از قسمت ساعت خود بهره مند و متوجه شود اساساً از دو حال خارج نبست یا باید دولت هبج مأمور برای نقاط جزء که چندان اهمیت**

دیدیم در خلبی از تقاطع این که اگر وقت مجلس اختضا مبکردد بنده متوجه از پنجاه یا شصت محل را بیک یک می شمردم حکمه وجود بعضی دوافر دولتی در آنها زیادی است و چنان موردهای بدبخت است که از طرف هر وزارت خواهه یکنفر مأمور بعده موص در آنهاها برود مثلاً اگر در کروس یا در باجگیران که فقط دارای بیک مدرسه است این هستند یا در عرض ما یکمتر به بست در این نقاط وارد میشود بافرضیا در قصر که اداره اند که دارای شدیده هبیج هرچند اینها نیز در اینهاها ممکن است تبدیل دارند، مثلاً مقام ریاست وزراء که مذاکره شدیده هبیج هرچند اینها نیز در وزراء و ریاست وزراء نمیتوانم بگذارم بعضی همانطوریکه وزیر نمیتواند غیر از شغل وزارت خانه خودش شغل دیگری را هبیده دار شود رئیس وزراء هم جزء این میعنی که دارد نیتواند شاغل مقام دیگرسی بشود.

بنابراین بادادن دو حقوق بیکنفر هر که باشد مخالف و عقیده دارم بحقوق برای بیکنفر کافی است و نباید بیکنفر دو کار داشته باشد دو حقوق از خواهه تهی دولت دریافت دارد

**رؤیس - آقای محمد هاشم میرزا**

**مخالفید یا موافق**

**میرزا هاشم هاشم میرزا - بنده موافق**

**رؤیس - بفرمانید**

دولت این ماهی سی جول تومان با بددهد و وضور بمحکم و این بمقیده بنده بهتر از از این است که امروزه باین ماده قانون را تصویب بکنیم و فردا دهار اشکالات بشویم زیرا فردا اشخاص قوی و باری دار کرسی های در این را اشغال میکنند آنوقت می گویند چون ضرورت اتفاق داشت این کار را که دیم امادر، مثلاً مقام ریاست وزراء که مذاکره شدیده هبیج هرچند اینها نیز در نظر صرفه جویی و اقتضا و ضرری ندارد فرض این است در صورتی دو شغل بیکنفر را که دار شد والا حتی الامکان از واگذاری دو شغل به یک شخص خودداری خواهد شد بنابراین این ماده بترتیبی که نوشته شده است غایب ندارد.

**رؤیس - آقای وحید الملک کویا مخالف باشد از مجلس خارج شده بودند.**

**رؤیس - آقای حاج میرزا امرتضی پهلوی.**

**حاج هیرزا هر قشی - بنده مخالفتم.**

**رؤیس - بفرمانید**

**حاج هیرزا هر قشی - بنده نمی دانم هر یکم را کجا عرض کنم زیرا امده حاکمی زاده متمسل بقانون اساسی شدند بنده باز مکرراً هرچند میکنم چه در همان موقعی که این اساسی از مجلس میگذشت و چه در اداره دیگر با بودن مجلس مکرر در مکرر دیده شده**

**رؤیس - جمله دو خوانید فرمت اول است و مذاکره شده و فرموده دو جمه است که ددسته عنوان الف ب ج نوشته شده است در جزء اول اگر فرمایشی دارید بفرمانید.**

**حاج هیرزا هر قشی - بنده با این فرمت که بیک نفر دو شغل را با دو حقوق علیه داده و اشغال کند مخالفم زیرا این مسئله سبب می شود که تمام کرسی های دوائر دولتی را اشخاص طبقه اول و دوم اشغال می نمایند و این در نتیجه این ترتیب از کار کوتاه خواهد شد و فقط اشخاص طبقه سوم و چهارم و سیستان در نتیجه این ترتیب از کار کوتاه خواهد شد دارند از این ماده استفاده کرده مشاغل دولتی را اشغال و جالی متناسب می شود می تواند این نتیجه این ترتیب از کار کوتاه خواهد شد اشغال کرد اما قسمت دیگری که می فرماید در صورت تصویب این ماده ماده قانون اشخاص قوی و باری دار کرسی های را اشغال کرده زیر دست های خود را معروم خواهند کرد این فحیه بیک قضیه فرضی است و هبج چیزهای دیگری که می فرماید در این ماده قوی و بعیشی از آفایان دیگر فرمودند که بعضی جاهای بعضی ادارات هست که چندان کار و اهمیت ندارد و ندارد و خوب است دولت دو کار را بیکنفر مأمور و اگذار کند بعقیده بنده برای بیک همچو چیزهایی که شاید بیش از دوسته باشند این ماده مخالف می شود که تمام کرسی های دوائر دولتی را اشخاص طبقه اول و دوم اشغال می نمایند اما جو این که آقای مخبر وبخشی از آفایان دیگر فرمودند که بعضی جاهای بعضی ادارات هست که چندان کار و اهمیت ندارد و ندارد و خوب است دولت دو کار را بیکنفر مأمور و اگذار کند بعقیده بنده برای بیک همچو چیزهایی که شاید بیش از دوسته باشند این ماده مخالف می شود که تمام کرسی های دوائر دولتی را اشغال و جالی متناسب می شود می تواند این نتیجه این ترتیب از کار کوتاه خواهد شد اشغال کرد اما قسمت دیگری که می فرماید در این ماده ماده قانون اشخاص قوی و باری دار کرسی های را اشغال کرده زیر دست های خود را معروم خواهند کرد این فحیه بیک قضیه فرضی است و هبج چیزهای دیگری که می فرماید در این ماده قوی و بعیشی از آفایان دیگر فرمودند که بعضی جاهای بعضی ادارات هست که چندان کار و اهمیت ندارد و ندارد و خوب است دولت دو کار را بیکنفر مأمور و اگذار کند بعقیده بنده برای بیک همچو چیزهایی که شاید بیش از دوسته باشند این ماده مخالف می شود که تمام کرسی های دوائر دولتی را اشغال و جالی متناسب می شود می تواند این نتیجه این ترتیب از کار کوتاه خواهد شد اشغال کرد اما قسمت دیگری که می فرماید در این ماده قوی و بعیشی از آفایان دیگر فرمودند که بعضی جاهای بعضی ادارات هست که چندان کار و اهمیت ندارد و ندارد و خوب است دولت دو کار را بیکنفر مأمور و اگذار کند بعقیده بنده برای بیک همچو چیزهایی که شاید بیش از دوسته باشند این ماده مخالف می شود که تمام کرسی های دوائر دولتی را اشغال و جالی متناسب می شود می تواند این نتیجه این ترتیب از کار کوتاه خواهد شد اشغال کرد اما قسمت دیگری که می فرماید در این ماده قوی و بعیشی از آفایان دیگر فرمودند که بعضی جاهای بعضی ادارات هست که چندان کار و اهمیت ندارد و ندارد و خوب است دولت دو کار را بیکنفر مأمور و اگذار کند بعقیده بنده برای بیک همچو چیزهایی که شاید بیش از دوسته باشند این ماده مخالف می شود که تمام کرسی های دوائر دولتی را اشغال و جالی متناسب می شود می تواند این نتیجه این ترتیب از کار کوتاه خواهد شد اشغال کرد اما قسمت دیگری که می فرماید در این ماده قوی و بعیشی از آفایان دیگر فرمودند که بعضی جاهای بعضی ادارات هست که چندان کار و اهمیت ندارد و ندارد و خوب است دولت دو کار را بیکنفر مأمور و اگذار کند بعقیده بنده برای بیک همچو چیزهایی که شاید بیش از دوسته باشند این ماده مخالف می شود که تمام کرسی های دوائر دولتی را اشغال و جالی متناسب می شود می تواند این نتیجه این ترتیب از کار کوتاه خواهد شد اشغال کرد اما قسمت دیگری که می فرماید در این ماده قوی و بعیشی از آفایان دیگر فرمودند که بعضی جاهای بعضی ادارات هست که چندان کار و اهمیت ندارد و ندارد و خوب است دولت دو کار را بیکنفر مأمور و اگذار کند بعقیده بنده برای بیک همچو چیزهایی که شاید بیش از دوسته باشند این ماده مخالف می شود که تمام کرسی های دوائر دولتی را اشغال و جالی متناسب می شود می تواند این نتیجه این ترتیب از کار کوتاه خواهد شد اشغال کرد اما قسمت دیگری که می فرماید در این ماده قوی و بعیشی از آفایان دیگر فرمودند که بعضی جاهای بعضی ادارات هست که چندان کار و اهمیت ندارد و ندارد و خوب است دولت دو کار را بیکنفر مأمور و اگذار کند بعقیده بنده برای بیک همچو چیزهایی که شاید بیش از دوسته باشند این ماده مخالف می شود که تمام کرسی های دوائر دولتی را اشغال و جالی متناسب می شود می تواند این نتیجه این ترتیب از کار کوتاه خواهد شد اشغال کرد اما قسمت دیگری که می فرماید در این ماده قوی و بعیشی از آفایان دیگر فرمودند که بعضی جاهای بعضی ادارات هست که چندان کار و اهمیت ندارد و ندارد و خوب است دولت دو کار را بیکنفر مأمور و اگذار کند بعقیده بنده برای بیک همچو چیزهایی که شاید بیش از دوسته باشند این ماده مخالف می شود که تمام کرسی های دوائر دولتی را اشغال و جالی متناسب می شود می تواند این نتیجه این ترتیب از کار کوتاه خواهد شد اشغال کرد اما قسمت دیگری که می فرماید در این ماده قوی و بعیشی از آفایان دیگر فرمودند که بعضی جاهای بعضی ادارات هست که چندان کار و اهمیت ندارد و ندارد و خوب است دولت دو کار را بیکنفر مأمور و اگذار کند بعقیده بنده برای بیک همچو چیزهایی که شاید بیش از دوسته باشند این ماده مخالف می شود که تمام کرسی های دوائر دولتی را اشغال و جالی متناسب می شود می تواند این نتیجه این ترتیب از کار کوتاه خواهد شد اشغال کرد اما قسمت دیگری که می فرماید در این ماده قوی و بعیشی از آفایان دیگر فرمودند که بعضی جاهای بعضی ادارات هست که چندان کار و اهمیت ندارد و ندارد و خوب است دولت دو کار را بیکنفر مأمور و اگذار کند بعقیده بنده برای بیک همچو چیزهایی که شاید بیش از دوسته باشند این ماده مخالف می شود که تمام کرسی های دوائر دولتی را اشغال و جالی متناسب می شود می تواند این نتیجه این ترتیب از کار کوتاه خواهد شد اشغال کرد اما قسمت دیگری که می فرماید در این ماده قوی و بعیشی از آفایان دیگر فرمودند که بعضی جاهای بعضی ادارات هست که چندان کار و اهمیت ندارد و ندارد و خوب است دولت دو کار را بیکنفر مأمور و اگذار کند بعقیده بنده برای بیک همچو چیزهایی که شاید بیش از دوسته باشند این ماده مخالف می شود که تمام کرسی های دوائر دولتی را اشغال و جالی متناسب می شود می تواند این نتیجه این ترتیب از کار کوتاه خواهد شد اشغال کرد اما قسمت دیگری که می فرماید در این ماده قوی و بعیشی از آفایان دیگر فرمودند که بعضی جاهای بعضی ادارات هست که چندان کار و اهمیت ندارد و ندارد و خوب است دولت دو کار را بیکنفر مأمور و اگذار کند بعقیده بنده برای بیک همچو چیزهایی که شاید بیش از دوسته باشند این ماده مخالف می شود که تمام کرسی های دوائر دولتی را اشغال و جالی متناسب می شود می تواند این نتیجه این ترتیب از کار کوتاه خواهد شد اشغال کرد اما قسمت دیگری که می فرماید در این ماده قوی و بعیشی از آفایان دیگر فرمودند که بعضی جاهای بعضی ادارات هست که چندان کار و اهمیت ندارد و ندارد و خوب است دولت دو کار را بیکنفر مأمور و اگذار کند بعقیده بنده برای بیک همچو چیزهایی که شاید بیش از دوسته باشند این ماده مخالف می شود که تمام کرسی های دوائر دولتی را اشغال و جالی متناسب می شود می تواند این نتیجه این ترتیب از کار کوتاه خواهد شد اشغال کرد اما قسمت دیگری که می فرماید در این ماده قوی و بعیشی از آفایان دیگر فرمودند که بعضی جاهای بعضی ادارات هست که چندان کار و اهمیت ندارد و ندارد و خوب است دولت دو کار را بیکنفر مأمور و اگذار کند بعقیده بنده برای بیک همچو چیزهایی که شاید بیش از دوسته باشند این ماده مخالف می شود که تمام کرسی های دوائر دولتی را اشغال و جالی متناسب می شود می تواند این نتیجه این ترتیب از کار کوتاه خواهد شد اشغال کرد اما قسمت دیگری که می فرماید در این ماده قوی و بعیشی از آفایان دیگر فرمودند که بعضی جاهای بعضی ادارات هست که چندان کار و اهمیت ندارد و ندارد و خوب است دولت دو کار را بیکنفر مأمور و اگذار کند بعقیده بنده برای بیک همچو چیزهایی که شاید بیش از دوسته باشند این ماده مخالف می شود که تمام کرسی های دوائر دولتی را اشغال و جالی متناسب می شود می تواند این نتیجه این ترتیب از کار کوتاه خواهد شد اشغال کرد اما قسمت دیگری که می فرماید در این ماده قوی و بعیشی از آفایان دیگر فرمودند که بعضی جاهای بعضی ادارات هست که چندان کار و اهمیت ندارد و ندارد و خوب است دولت دو کار را بیکنفر مأمور و اگذار کند بعقیده بنده برای بیک همچو چیزهایی که شاید بیش از دوسته باشند این ماده مخالف می شود که تمام کرسی های دوائر دولتی را اشغال و جالی متناسب می شود می تواند این نتیجه این ترتیب از کار کوتاه خواهد شد اشغال کرد اما قسمت دیگری که می فرماید در این ماده قوی و بعیشی از آفایان دیگر فرمودند که بعضی جاهای بعضی ادارات هست که چندان کار و اهمیت ندارد و ندارد و خوب است دولت دو کار را بیکنفر مأمور و اگذار کند بعقیده بنده برای بیک همچو چیزهایی که شاید بیش از دوسته باشند این ماده مخالف می شود که تمام کرسی های دوائر دولتی را اشغال و جالی متناسب می شود می تواند این نتیجه این ترتیب از کار کوتاه خواهد شد اشغال کرد اما قسمت دیگری که می فرماید در این ماده قوی و بعیشی از آفایان دیگر فرمودند که بعضی جاهای بعضی ادارات هست که چندان کار و اهمیت ندارد و ندارد و خوب است دولت دو کار را بیکنفر مأمور و اگذار کند بعقیده بنده برای بیک همچو چیزهایی که شاید بیش از دوسته باشند این ماده مخالف می شود که تمام کرسی های دوائر دولتی را اشغال و جالی متناسب می شود می تواند این نتیجه این ترتیب از کار کوتاه خواهد شد اشغال کرد اما قسمت دیگری که می فرماید در این ماده قوی و بعیشی از آفایان دیگر فرمودند که بعضی جاهای بعضی ادارات هست که چندان کار و اهمیت ندارد و ندارد و خوب است دولت دو کار را بیکنفر مأمور و اگذار کند بعقیده بنده برای بیک همچو چیزهایی که شاید بیش از دوسته باشند این ماده مخالف می شود که تمام کرسی های دوائر دولتی را اشغال و جالی متناسب می شود می تواند این نتیجه این ترتیب از کار کوتاه خواهد شد اشغال کرد اما قسمت دیگری که می فرماید در این ماده قوی و بعیشی از آفایان دیگر فرمودند که بعضی جاهای بعضی ادارات هست که چندان کار و اهمیت ندارد و ندارد و خ**

مراهق و بعد فرمودند معتقدم در موته بع ضرورت این کار بشود آنوقت این اصل را معتقد شدند که حقوق مرتبه بالاتر را بگیرید بنده عرض می کنم آن شخص که متصدی آن کار بالاز است دیگر برای او چه الزاماً است که کار دیگری را هم بکند و فقط موظف است برای شغلی که حقوق می کشد خدمت کنندگر لازم بست زحمات دیگری را تحمل شود و معلوم است آن شخصی که برای یک شغل حقوق می کشد خود را موظف نموداند سه شغل را دارد کند .

**محفل هاشم هیرزا — گمان**  
می کنم در این جزء مذاکرات کافی باشد رئیس — آقایانی که مذاکرات را در جزء دوم کافی می دانند قبام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)  
**رئیس — معلوم می شود کافراست**  
جزء سوم  
(بعضیون ذیل فرمات شد)  
ماده سوم - در صورتی که کسی کفالت هم رتبه خود را نماید حق دارد تمام حقوق خود را بملأه ثالث حقوق آن کسی را که ذات مقام اوست دریافت دارد رئیس - آقای ارباب کبھرسو  
(اجازه)

**ارباب کبھرسو - مخالفت بنده**  
نسبت بتمام اجزاء این ماده هی السویه است و بنده هیچ معتقد نیستم آن کسی که داخل هر خدمت دولت است وقت زیادی صرف کند که یک حقوق زیادی بگیرد اینجا ما می بینیم اشخاصی که معتقد دولت هستند و میرونند در مدارس درس می خوانند در ماده چهارم معتقد شده اند که اگر وقت خود را در غیر ساعت کار اداری صرف کردند حق حقوق دارند و اگر وقت زیادی صرف نکردند حق ندارند بنده نمی توانم مأمورین را در این وقت عیاز ساعت کار اداری را از کجا خواهند آورد اگر در ساعت اداری بیکار است چون حقوق تمام او فرات را میگردیده هر کاری که با در تمام دوایر رجوع بگذشتند انجام بدهد و اینکه فرمودند در لایات بعضی دوایر کار کم دارند و ممکن است دو کار را با آنها رجوع کرد با بنیان قاعده اگر کار کم دارند هر قدر کار علاوه شود وقت زیادی صرف نکردند این را هم هر رض میگنند که یکی از بدینهای های ما در لایات این است که سه چهار کار را یک نفر و اکنون بگذشتند هیچ وقت کار مردم انجام نمی شود و فقط استفاده را مأمورین دولت نموده است پس بمقابله بنده باید این سه را شکست و اساس بدینهای برای مردم فراهم نیاورد اگر دولت درمه مل کار دارد و اداره لازم دارد باید هم حقوق بدهد و هم مأمور هیچ عده پفرسته و اگر کم دارد

مراهقند یا مخالف حاج شیخ اسد الله - مخالف رئیس - آقای فقیم الملک چنطور فیهیم الله - مخالف رئیس - آقای حاج میرزا علی دولت آبادی هم مخالفند

**حاج هیرزا علی محمد دولت**  
آبادی - بلی مخالف رئیس - آقای حاج شیخ اسد الله  
(اجازه)

حاج شیخ اسد الله - بنده در - کمپسیون بوده هم که بودم بالای سه فقره که نوشته شده است مخالف بودم و چون یک نفر از اعضاء کمپسیون بودم نهواستم قبل اظهار مخالفت بگنم ولی برای اینکه آقایان نمایند گان تصور نکند که شاید این ماده بااتفاق از کمپسیون گذشته مجبور شدم متفق بهم خودم را در این باب عرض کنم قانون درباره رئیس وزراء و ثبات و منشی و غیره فرق نمی کند و اساساً جمیع دو شغل متنوع است مگر در موقع ضرورت و ممکن است موارد ضرورت را هم معین نکند و پس از آنکه یکنفر دو شغل را اختیار کرد در کمپسیون هم مکرر عرض کرد ممکن است حقوق شغلی را که مرتبه ای تراست و حقوقش زیادتر است دریافت دارد و حق دو حقوق نداشته باشد برای اینکه سوءاستفاده نشود و بکسر میل زدن کم ممکن است در بعضاً نقاط یک اداره استخانه باشد و کارش کم باشد یا اداره تلگراف اینکه این نداشته باشد هم مکرر عرض کرد نکنند و پس از آنکه مخبر مثل زدن کم ممکن است در بعضاً نقاط یک اداره استخانه باشد و کارش کم باشد یا اداره تلگراف اینکه اداره کاری نداشته باشد آنوقت این دو کار را یک نفر بدنه بنده هر رض می کنم آنوقت بايد در طرز شکلات این دو اینکه شاهزاده محمد هاشم میرزا پست و تلگراف یک ترتیبی انتعاذه شود و در قانون استخدام هم باید این موارد را بیش بینی کردد که در این مورد تکلیف چه خواهد بود والبته اگر اینماده با این طرز که عرض کرد نوشتة شود حقوق یک کار برای مأمور کافی است برای اینکه خودتان می فرمایند چون کار ندارد کار اداره و یک هم با او رجوع می شود حالاً که کار ندارد و یک حقوق می گیرد بیانیم معارف و داخله و خارجه و هر وزارت از این مخالفت شغل و کارشان بودجه همچند تقدیم مجلس کرده اند بنا بر این بنده هم قبیله دارم که این لایعه باید بعد که قانون استخدام مجلس آمد این دو این مسائل هم مرتب شود و اگر غیر این این مشکلاتی بگند و باعث استفاده یک عده اقویاً و معروفیت یک عده از همینها باشد با این ملاحظه بنده استدعا می کنم آقایان مخبر هم یک تجدید نظری در این لایعه بگند و اگر می توانند به ماضی موادش را از این قانون استخدام کنند و اگر همچنان بگذشتند و آن را با الفاء این کلمات کشدار و مبهم مجلس پیشنهاد کنند.

**رئیس - آقای حائری زاده**  
(اجازه)

**حائزی زاده - بنده چنانچه**  
سابقاً هم عرض کردم قانون باید جامع الاطراف باشد هنوز قانون استخدام از مجلس نکنند و اینکه می کنند این و ممکن است از اینکه سوءاستفاده نشود و بکسر میل زدن کم ممکن است از اینکه سوءاستفاده ماحصل شود و اینها من کم معلم مأمور خود را اشغال می کنند من بینیم در اینجا قرار گذاشته اند نصف حقوق خودشان و نصف حقوق مأمور خود را دریافت دارند مثلاً اگر معاون متکلف امروز ارث شد نصف حقوق را دریافت نمایند بنده هم عرض می کنم اگر آن معاون و زارت است همان شخص وزیر شود و تمام حقوق را دریافت دارد و بجای او یکنفر معاون ممکن کنند و اینکه شاهزاده محمد هاشم میرزا فرمودند احتمال سوءاستفاده از قانون مانع از این است که ماقانون بتوییم نخواهد بود و بعلاوه ممکن است یک محلی باشد که بودجه انتخاب نکند و نونفر مأمور برای دو کارهای فرستاده شود و دو حقوق بدهیم جواباً عرض می کنم در بودجه همین است که این اصل کلی را منظور نداشته اند که منش و مدیر ادارات تمام اداری یک حقوق باشند بلکه برای مالیه معارف و داخله و خارجه و هر وزارت از این مخالفت شغل و کارشان بودجه همچند تقدیم مجلس کرده اند بنا بر این بنده هم قبیله دارم که این لایعه باید بعد که قانون استخدام مجلس آمد این دو این مسائل هم مرتب شود و اگر غیر این این مشکلاتی بگند و باعث استفاده یک عده اقویاً و معروفیت یک عده از همینها باشد با این ملاحظه بنده استدعا می کنم آقایان مخبر هم یک تجدید نظری در این لایعه بگند و اگر می توانند به ماضی موادش را از این قانون استخدام کنند و اگر همچنان بگذشتند و آن را با الفاء این کلمات کشدار و مبهم مجلس پیشنهاد کنند.

**رئیس - آقای حائری زاده**  
موافقید .  
**حائزی زاده - بنده مخالفم .**  
**رئیس - آقای معتمد السلطنه**  
چطور ،

این مربوط نیست باین که دو شغل را کدو نفر باید متصدی شوند یک شغلی است که متصدی ندارد اگر موقتاً بیکنفر واکنار استاده از حقوق بفرار شود اما اگر در اداره یکمایه مخصوصی برای مستخدمین معین شد مربوط باین موارد نیست: ترتیب حقوق او در بودجه معین است و ترتیب مخصوص اشخاصی که باید مخصوصی داشته باشند در قانون مخصوص معین خواهد شد مربوط بحالاً نیست .

در صورتی که این ماده تصویب شود در باره آنها مطابق نظامنامه وزارت اخاهان رفتار خواهد شد فقط اینجا راجع است بدرو شغلی که باید بدون نفر واکنار شود و یک نفر و جو و واکنار خواهد شد آیا در جزء اول مذاکرات کافی نیست ؟

(جهتی گفتند کافی است)  
جزء دوم قرائت می شود

(بعضیون ذیل قرائت شد)  
ب - هر یک از مأمورین دولتی که به هنوان کفالت شغل بالاتر را اشغال نماید حق دارد نصف از حقوق شغلی و مصوب از حقوق آنکسی را که قائم مقام اوست دریافت دارد .

آقای مستشار السلطنه  
(اجازه)

بنده همین طور که در فقره اول و مقدمه ماده سوم هر رض کردم نظریه کمپسیون محترم را که مبنی بر صرفه و صلاح بودجه دولت است صائب می دانم ولی در عین حال این قسم صرف جوئی را بیاره می دانم و یا موافقی که مریض هستند می شود و یا بنده خارج از انصاف می دانم و گمان می کنم نظریه کمپسیون بعدها سوءاقسیرو تغییر شود .

البته در موقعی که استفاده از ماده می شود مخبر کمپسیون آنچه پیشنهاد که توضیح مدهند و یا مجلس شورای ملی هم در هر مورد نمی تواند تفسیر قانون بگند و بنده گمان می کنم این قضیه تویید یک مشکلاتی بگند و باعث استفاده یک عده اقویاً و معروفیت یک عده از همینها باشد با این ملاحظه بنده استدعا می کنم آقایان مخبر هم یک تجدید نظری در این لایعه بگند و اگر می توانند به ماضی موادش را از این قانون استخدام کنند و اگر همچنان بگذشتند و آن را با الفاء این کلمات کشدار و مبهم مجلس پیشنهاد کنند .

**رئیس - آقای حائری زاده**  
موافقید .  
**حائزی زاده - بنده مخالفم .**  
**رئیس - آقای معتمد السلطنه**  
چطور ،

اعضاه وسافر یا مریض را هنده داره بشوند  
 فقط حقوق خودرا استفاده خواهند گرد و  
 حقی در حقوق اعضاهی که شغل او را موقتاً  
 قبول کرده است ندارد

بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۳ بطریق  
ذپل اکتفا شود  
ماده سه جمیع دویاچند شغل موظف  
منوع است امر شما عند الزوم بکنی از  
استفاده بن ادارات شغل دیگری غیر از شغل  
نابت خود را موقتاً متکفل شود هلاوه بر  
کلیه مقرراتی خود حق استفاده از قسمتی از  
مفردی شغلی را که نهت کفالت اوست نیز  
خواهد داشت ولی میزان این اضافه همچو  
وقت از نصف مقداری شغل ثانوی تجاوز  
خواهد کرد

بنده پیشنهاد میکنم ماده سوم از آن  
جانبکه مینویسد مگر در مواردی که ضرورت  
افتضال نمایند تا آخر فقرات سه حذف شود  
 حاجی میرزا مرتضی

حائزی زاده — محقق  
مقام محترم ریاست شورای اسلامی  
بنده در ماده سوم هیأت) مگر در  
واردی که ضرورت اقتضا نماید( را زاید  
انسته پیشنهاد مینمایم حذف شود و این  
لور نوشته شود ۳ جمله دویا چند شغل  
وظیف متنوع است مگر در موارد ذیل  
مستشار السلطنه

مقام محترم ریاست مجلس مقدس  
بنده پیشنهاد می کنم ذیل این ماده  
از اول کلمه مگر در مواردی که ضرورت  
قتضای نمایند با اجزاء سه گانه ذیل حذف شود  
همان جزء اول که موافق است با قانون

دستی و بجهة اهاید ابراهیم دهی  
رؤیس — این اصلاحات ارسال  
ی شود بکمیون ماده چهارم قرائت  
ی شود

باين مضمون قرائت شد  
ماده چهارم — مستخدمین دواير  
ولتي هر كاه در مدارس دولتي در غير  
قت کار اداري تدریس نمايند مقرري تدریس  
اهم می توانند در يافت دارند  
رؤس — آفای وحدت الملک

و حیله‌الهملک - بنده مخالفم و در  
من شور کلمات عرض کردم  
ماده ۳ و چهار راجع بقانون استخدام  
ت و ماده اول و دوم راجع بقانون وظایف  
ت و شغل معلمان هم پاک شغلی است آزاد  
هر یک از مستخدمین ادارات می‌توانند  
لهم باشند و استفاده از معلمی نکنند و ای

مثلاً بنده در وزارت مالیه مستخدم  
باشم و بموجب ترتیبات آنجا ترقی کنم و  
مراتب را اطی کنم و از مرتبه پائین بالا بروم  
آنوقت در وزارت داخله هم باشیم ممکن  
نیست شغل داشته باشم یا اینکه در وزارت  
داخله دو شغل داشته باشم هم در اداره جنوب  
و هم در اداره شمال اینهم ممکن نیست ولی  
راجح باین مسئله نباید شخص رئیس وزراء  
ادرا داخل کنیم برای اینکه رئیس وزراء  
مبتدا و آنکه از وزارتخانها را قبول کند و  
در تمام دنیا هم معمول است

حائزی زاده - ولی با پل حقوق  
زنجانی - من کار ندارم با این  
طلب چه بایک حقوق چه باد حقوق مقصود  
این است که رئیس وزراء می‌تواند بایک  
وزارت خانه را هم اداره کند بنده پس هر رض  
پیکنم این مواد یعنی این فقرات نلاشه  
عین طور که بنده می‌گویم در وزارت خانه  
استخدم بودم و مرائب دو وزارت خانه را  
لی کردن ممکن نبست این مواد هم شامل  
آن مطلب نبست و مقصود این است که اگر  
کارش ممکن نباشد موقتاً پل  
اجزاء آن کار را اداره کند و یا آنکه  
مأموری اگر کار کوچکی را دارد  
ممکن است پل کار دیگری هم باو رجوع  
کند و پل مختصر حقوقی هم باو بدهند

ولی اینکه آقایان فرمودند اگر بک نفر  
مرخص شد پا ناخوش شد یا مسافرت کرد  
باز هم این قانون شامل حال آنها نمی‌شود  
والبته بک ترتیبی برای مرضاهست و ناچار  
بک نفر که مرتض شد بک فراری برای او  
می‌دهند پس این مداد برای این است که  
اگر بک حاکمی را بمرکز خواستند و  
وقتی رئیس اداره دیگری شغل او را کفالت  
نمود اگر حقوقش کمتر است با این ترتیب  
اگر مساوی است بترتیب دیگر و اگر  
پیشتر است آنهم بک ترتیبی که در اینجا  
امام ذکر شده رفتار شود و همه این مطالبات  
برای این است که وقتی شغل بک نفر دیگر  
اهم شخصی وقتی تکفل مبنماشد بدون  
حقوق نباشد و مقصود این نیست که بک  
نفر در دو اداره باشد و در هر دو اداره  
وظف باشد مثلا هنوز بک وزیری را می‌بینیم  
کرده‌اند ممکن است کارهای وزارت را  
معاون آن وزارت‌خانه رجوع کند با این  
ترتیبی که در این مواد ذکر شده آنهم در  
وردت ضرورت و اقتضای وقت بنماید در  
بنجای دست دولت را بست والا مقصود این  
بست که بک نفر کار دونفر را اشغال کند یا  
کنک نفر جای دونفر را بگیرد

رئیس — مذاکرات را آغاز کرد  
کافی میدانند

( بعضی گفته شد کافی است )

رئیس - پیشنهاد ها قرائت می شود

( بعضیون ذیل قرائت شد )

بنده پیشنهاد می کنم ب الفقرات ماده ۳

و ذیل اضافه هود اعضا ای که شغل

وچهل تومانی بعتر ملحوظ شود همین طور  
که گفته شد در این مجلس شورای ملی بنده  
خبری مستبد می دانم که پلک تبعیض و پلک  
استثنائی فائل بشویم و بن رئیس وزراء  
وسایر وزراء پلک تفاوت باشد و بنده به عیج-  
وچهارم این مسئله حاضر نیستم

کفیل وزارت مالیه — هر رض  
کردم در این باب همچ سو و نفاهه می نخواهد  
شد و راجع با عضاده هم همین طور خواهد بود  
مثالا فرض بفرمان ایدیک رئیس شعبه فوت کرده  
باشد یا در محل مأموریت نباشد اجراء زیر  
دست ممکن است موقتاً اینکار را بگذارد و  
یک استفاده از حقوق او کرده باشد و ضمناً  
منافع دولت هم محفوظ مانده است  
رئیس — آقای حاج میرزا مرتضی  
مخالفند

حاج میرزا ہر تضییی - ۱۷

ر ایوس - بفرمائید

حاج هیر زا هر تھی - بندہ بهمان  
لاحظه که آفابان فرمودند صور می کنم  
بنکه دریک مملکتی که سرتا سر آن یک  
له اشخاص بیکار تحصیل کرده با تحصیل  
کرده هستند آنوقت یک نفر دو حقوق  
گیرد و از سیدی به میردو یک نفر بدون  
حقوق و بیکار از گرسنگی بگیرد از آن  
المهای خبلی بداست وابنکه آفای مخبر  
مودند شاید مأمور مافوق کفالت مادون  
ودرا قبول نکند بنده هر ضم می کنم کار  
چیزی است که اگر بی حقوق فهم باشد اس  
نهند حتی ماقبول خواهد کرد و هر مأموری  
هر کجا هست اگر هیچ کار دیگر راهم  
در رجوع گفند البته انجام خواهد داد  
که آفای وزیر فرمودند اگر یک نفر  
حقوق بگیرد کمتر برای دولت تمام می  
ود تا اینکه حقوق بالاتر را بگیرد بنده  
لامخالفم یک نفر دو کار را اداره کند و  
ضایم که در موقع ضرورت وقتی نباشد  
که نفر دو کار را داشته باشد هیچ ضرر  
ارد همان حقوق مرتبه مافوق خود را  
گیرد و دیگر حقوق مرتبه پائین نز  
نگیرد

دئیس - آفای زنجانی  
( اجازه )

آقا شیخ ابراهیم زنجانی -  
کلبه این بود يك شخص بد و منوان  
که نبرد مطلقاً در هر بابت اهم از اينگه  
ری باشد یا حقوق باشد يادو دو جا  
گردن باشد این بود که این مواد را  
داد کردند تا رسیده باين جا که يك  
موظفاً دو کار را بگذرد و حقوق اکثر  
رد اگرچه بنده با اينهم موافق نیستم  
چه که اين دو ماده گذشت نبودم ولیکن  
اين مطلب که يك فر در دو اداره  
باشد هیچ صحیح نیست و ممکن  
ست

و سه کار را توأم کنند و بیک نفر مأمور رواگذار  
کنند که با بیک حقوق معینی برود دیگر حقوق  
علاوه معینی ندارد

معاون وزارت مالیه — متأسفانه  
گویا سوه تفاهی در این باب شده است  
ذرا منع داده ام: نهاده است که دوست

دیر، معمور درست این بیوته است. درست  
کار ییکنفر داده شود چنانکه در ابتدای  
این لایعه ذکر شده است که اشتغال بدروکار  
منوع است ولی ممکن است در بعضی  
موافق حکومت محلی را بمرکز بخواهند  
و موافقاً یکی از رؤسایدوایر را بجای او  
بگمارند که بکار حکومتی رسید گی کند تا  
حکومت جدید برود بدیهی است در این  
صورت چنانچه حالاهم مرسوم است باید  
حق الزحمه باوبدهند و برای اینکه امباب  
نه نایاب باشند این امر را همان

رحمت باشد این ترتیب را دولت پیشنهاد  
گرده و اینکه می‌گویند آن موردی که  
کفاپت کار شخص دیگر را هم می‌گذارد فوق  
بالاتر را بگیرد از حيث بودجه هم ضرر  
دولت است برای اینکه کسی شغل یافته باشد  
را دارا باشد باستثناء سبصد تو مان مواجب  
اگر شغل ما فوق خود را که شصصد تو مان  
مواجب دارد بخواهد کفاپت کند ششصد  
تو مان باید دریافت دارد ولی با این ترتیبی  
که دولت پیشنهاد می‌گذارد نصف حقوق خود  
و نصف حقوق ما فوق خود را دریافت کند  
و بنجهای تو مان فایده دولت می‌شود و  
علاوه در این مسئله هم سوه تفاهمنشود  
این لابعه شامل حال اشخاصیکه بمرخصی  
بیرونند و با اینکه هر یض می‌شووند نخواهد  
بود و چنانچه در ادارات اروپائی و خارجی هم  
مینظر مرسوم است و تصور می‌کنم برخلاف  
تفاهم آقایان که خجال می‌گذارند اسباب زحمت  
آن‌داده اسباب نسبیل کار خواهد بود

رئیس - آفای زنجانی مخالفت

زنجانی - خیرمراه قم

رئیس — افای مستشار السلطنه

هسته شار المسلطانه — بنده می یعنی  
وزراء و روسای ادارات دولت اغلب شاکی  
ستند که تقاضا کنند گان کار زیاد هستند  
لایه عالی فوج را نیز کان کنند

را این طرف هم پیس ایسی مبتده نه اجزاء  
کم داشته باشند یا اینکه بیانات آفایان را  
کافی می دانم معهذا مخالفت خودم را بی.  
بنجه فرض می کنم برای اینکه آنچه ما از  
قطعه نظر حقوق و کالته می گوییم باز می.  
بنهم بلا فائده می هاند همین قدر بنده می خواهم  
ک نکته را با آقای مخبر تذ کردم و آن  
است که اگر بخواهند جدیت بگفته  
اینکه آنلا پنه کاملا تصویب شود بدون این  
که نردیدی در بعضی از واردش شود آن  
میر ممکن است و برای چلو گیری از دونقطعه  
ضرر مخالفتی که مخالفین دارند خوب است  
بن لایه را مسترد داشته بگم پسیون برده  
جد پنه نظر گنند که حقوق اجزاء سی تو مانی

آقای ارباب و هرمن می‌کنم اساس مشروطیت تعطیل بردار نیست ولی بنده هر ضمی کنم کفته کلاع اگر بات افتاد چه می‌شود جواب گفته شد کلاع باهوش است بات ابتدا افتاد گفته بلی باهوش است اما اگر اتفاق افتاد چه می‌شود صحیح است اساس مشروطیت مطابق قانون اساسی تعطیل بردار نیست و باید با تمام قوانین این مسئله را ممانع پذیریم که دوره فترت در این مملکت نباشد ولی اگر خدای نخواسته کلاع احتمالاً توی چاه افتاد باید یک مجازاتی یک سپاسیتی فرار بدهم که اگر خدای نخواسته یک تعطیلی برای مواجه شد و یک نفر خانه‌ی بایک ظالم دست بریده دست درازی کرد کنند خود آشخاص مدبوغ باشد و از مملکت ایران نباشد عوض اورا بدهند و ذمه داران غرض نیستند و ماننداریم برای ترقی و سعادت مملکت این مسئله را تهییب کنیم که تمام ملت ایران بدانند که اگر یک خانه دست بریده دست درازی بحقوق این ملت بکند و بخواهد حقوق این ملک را پایمال کند خود او ضامن است و باید شخص او بدهد و مامدوون نیستیم

**رئیس** - جلسه آینده پس فردا روز سه شنبه ساعت بقرنوب مانند دستور اولاً لایحه الماق آب کومنک بزاینده رود.

تاپیا شوردر را پورت که بسیرون بودجه راجع به برقراری شهریه در حق و زهر حوم وقار الدوله

**محمد رضا شاه پهلوی** - بنده اینه بدم این لایحه که از ملطف آقایان پیشنهاد شده بجه می‌شود به احباش مسترد می‌شود یا بکمیسیون رئیس - کمیسیون خودش اسلام بکنند نسبت بدستور آقایان موافقند (مخالفتی نشده)

(جلس سه ساعت از شب کنده ختم شد) **جلسه ۸۱**

صورت هش روح در مجلس یوهم شنبه ۱۴۴۵ حوت ۳۷

مجلس دو ساعت و نیم قبل از فرrob در تخت ریاست آقای موتمن الملک تشکیل گردید صورت مجلس یوهم یعنی شنبه بیست و پنجم حوت را آقای شهاب السلطان قرات نمودند رئیس - آقای آفاسید یعقوب (اجازه)

آقایی یوققوب - آنجا که نوشته شده بنده و حاج میرزا مرتضی مخبر کمیسیون اظهار کردیم حته را پورت کمیسیون را که (مشکایت اهالی است نسبت بعکلام) پس می‌گیریم ما همچو اظهاری نکردیم یعنی کلمه (مشکایت اهالی است را) نگفته می‌شود که از رازورت کمیسیون از دستور خارج شود و این سکله باید اصلاح شود رئیس - همینطور اصلاح منشود دیگر ایرادی نیسته؟ (گفته شد - خیر)

**رئیس** - بنده گمان می‌کنم این طرح باین ترتیب می‌بینم نباشد برای اینکه تمام این مسائل در قانون اساسی هست و اگر بخواهند قانون اساسی را توسعه باید قانون دیگر محکم کنند گویا صلاح نباشد ولی اگر بخواهند ممکن است مجازاتی را که لازمه اینکار است ممین کنند

**فیضیم الملک** - طرحی را که پیشنهاد شده است همانطور که آقای ایجاد ماده نمایندگان این مقاله معمول قانون اساسی است ولی اصل قانون اساسی یک ترتیبی را مین ای کنند بدون اینکه سانکیون اجرا یا سپاسیتی که در مقابله او باشد بعمل آید قید شده باشد در این صورت نمی‌دانیم مالیاتی که برخلاف قانون اساسی وضع شده و باید بشود ذیرا در قانون اساسی می‌گوید مالیات را اتفاق ملک شورای ملی معین می‌کنند اما اگر مقامات دیگری دست اندادی باین کار نکرد به کار باید کردد گرذ کردن شده این است که مادر این طرح قانونی مین کرده ایم مالیات از دادن چنین مالیاتی امتناع کنند ماده دیگر دمراجع بفرض است از دریحکی از اصول قانون اساسی می‌گوید مالیات

تصریح می‌کند که فرض باید با تصویب مجلس شورای ملی باشد اهم از داخله یا خارجه حالا در یک موضع اینست اگر دولت بخواهد بکند در اینجا تقریباً یک سپاسیتی برای چنین اقدامی مین شده یعنی اگر برخلاف مدلول قانون اساسی یک قرضه بشود باید همه کس از داخله و خارجه بدانند که ملت ایران مدعی این قرض نیست تا آن قرض دهنده قبل از کسر خود را بشکند و بدانند ملت ایران مقرر و اینست رئیس - در هر صورت این لایحه بکمیسیون مبتکرات یا کمیسیون دیگری که رفت باید طوری بنویسند که آن فسقی که راجع بقانون اساسی است شامل نباشد یک طرح قانونی دیگر دمراجع آقای زنجانی داجع بمقابله و تألفات رسیده است

بکمیسیون مبتکرات یا کمیسیون دیگری که رفت باید طوری بنویسند که آن فسقی که راجع بقانون اساسی است شامل نباشد یک طرح قانونی دیگر دمراجع آقای زنجانی داجع بمقابله و تألفات رسیده است

ارباب کیم خسرو - اختصار نظامنامه یا اختصار قانونی دارم رئیس - اختصار نظامنامه یا اختصار قانونی ارباب کیم خسرو - اختصار قانونی دارم و عرض می‌کنم در اصل هشتم قانون اساسی می‌گوید اساس مشروطیت جز و کلا تعطیل بردار نیست و اگر موافق هم بشود که مجلس نباشد خود از درجه اعتبار خلاف قانون اساسی است ولی مقدمه این طرح طوری نوشته شده که می‌فهمند اساس مشروطیت تعطیل بردار است و هفته بندیم که این است که پیشنهاد کنند گان این پیشنهاد را استرد دارند و یک تجدید نظری بفرمائند چون این طور نمی‌شود بکمیسیون رجوع نمود

رئیس - آقای آفاسید یعقوب (اجازه) آقایی یقه و ب

که در غیر وقت اداری نتوانند درس بدene بنابراین این مطلب را بسیار بخواهند اصلاح نمود که اگر مستخدمین بخواهند در اداره درس بدene ممکن است بالاجازه دیگر ماقوی خود یا از وزارت خانه اجازه بخواهند که در ایام هفته بیکساعت دو ساعت بروند تدریس کنند و یک نفر دیگر این بیکساعت دو ساعت را که اونبت کار او را مواجبت کند

**رئیس** - در این ماده مذاکرات کافی نیست (گفته شد کافی است) رئیس - ماده پنجم قرائت می‌شود **فیضیم الملک** - پیشنهاد پنهان قرائت می‌شود رئیس - ارسال می‌شود بکمیسیون (ماده پنجم بشرح آنی قرائت شد)

ماده پنجم - وزارت مالیه مامور ابرای مواد چهارگانه فوق است و در هر قانون استخدامی آن را از مایر رشته‌های استخدام هر ضمی می‌کند مثمر - اولاً آقای وحید الملک غرموده اوقات تدریس در مدارس با اوقات کار اداری غالباً مصادف می‌شود بنده هر ضمی می‌کنم است اشخاصی که در ادارات مستند اوقات دیگریم داشته باشند مثل بمنازل خانه‌ای دو شنبه که غالب ادارات تعطیل است و از یک طرف هم فرمودند که ممکن است در وقت اداری هم از اینها اتفاق افراطی که دولت این آدم را اجیر کرده است و حقوقی را که می‌گیرد برای این است که در ساعاتی که اداره مین کرده است خدمت کند و این ساعات متعلق بدولت است و اگر برودر مدرسه تدریس کنند البته آن کار برای اکه موظف است بعده تأخیر خواهد افتاد اگرما این قاعده را بخواهند هر ضمی ممکن است شویم که در اوقات صاعات کار می‌توانند تدریس کنند آنوقت چون این حق را اداره می‌کند آقای رئیس ممکن است تمام اوضاع ادارات برای اینکه می‌گیرند داشته باشند و یک حقوق دیگر را هم بگیرند بروند در مدارس تدریس کنند و بکلی کارهای ادارات فلاح مانده و از جریان خود بمانند پس آن ساعات را اکن که می‌گیرند هم باشد چون از دولت حقوق گرفته اند باید بروند و میانی در مدارس دولتی تدریس کنند و ساعانی که مصادف با اوقات اداری نیست می‌توانند ساعات استفاده کنند

**رئیس** - آقای فیضیم الملک (اجازه) فیضیم الملک - اساساً باین موضوع که در موقع ساعت اداری مستخدمین باشد چون از سر کار خودشان حاضر باشند کسی مخالف نیست در این قسمت هم که معلمین مدارس را باید حتی امکان مساعدت کرد که از آنها استفاده بشود هیچ تردید نیست مخصوصاً در مملکت ما که هنوز معلم کم داریم و اشخاصی که پتوانند در مدارس درس بدene شاید کم باشند باید حتی امکان دستشان را باز بگذاریم و نباید محدود بگذیم بقید غیر وقت کار اداری زیرا همانطور که عرض کرد ممکن است اشخاصی که در ادارات باشند

که در غیر وقت اداری نتوانند درس بدene بنابراین این فهم این است که می‌گویند غیر وقت کار اداری اگر تدریس شود حق استفاده از حقوق دارد آقایان می‌دانند که وقت مدارس اغای و وقت ساعت اداری است و من ذکر نسبت غیر ساعت اداری را زائد می‌دانم برای اینکه مستخدم اداری در همان ساعت کار این را خودش می‌گذرد در این ساعت در همان ساعت کار این است در همان ساعت همان ساعت کار اداری خودش را محول به دیگری کنند و اگر ماین ماده را باین ترتیب که در اینجا ذکر شده است بگذرانند اشخاصی که می‌توانند وقت اداری خود را صرف تدریس کنند از این حق معروم می‌مانند برای اینکه ساعات مدارس شب نیست و همان ساعت روزی است که برای ادارات مین شده است اینهم یکی از مسلمات است که شغل معلم شغل آزادی است و در هر قانون استخدامی آن را از مایر رشته‌های استخدام هر ضمی می‌کند مثمر - اولاً آقای وحید الملک غرموده اوقات تدریس در مدارس با اوقات کار اداری غالباً مصادف می‌شود بنده هر ضمی می‌کنم است اشخاصی که در ادارات مستند اوقات دیگریم داشته باشند مثل بمنازل خانه‌ای دو شنبه که غالب ادارات تعطیل است و از یک طرف هم فرمودند که ممکن است در وقت اداری تصدیق می‌فرماییم که دولت این آدم را اجیر کرده است و حقوقی را که می‌گیرد برای این است که در ساعاتی که اداره مین کرده است خدمت کند و این ساعات متعلق بدولت است و اگر برودر مدرسه تدریس کنند البته آن کار برای اکه موظف است بعده تأخیر خواهد افتاد اگرما این قاعده را بخواهند هر ضمی ممکن است شویم که در اوقات صاعات کار می‌توانند تدریس کنند آنوقت چون این حق را اداره می‌کند آقای رئیس ممکن است تمام اوضاع ادارات برای اینکه می‌گیرند داشته باشند و یک حقوق دیگر را هم بگیرند بروند در مدارس تدریس کنند و بکلی کارهای ادارات فلاح مانده و از جریان خود بمانند پس آن ساعات را اکن که می‌گیرند هم باشد چون از دولت حقوق گرفته اند باید بروند و میانی در مدارس دولتی تدریس کنند و ساعانی که مصادف با اوقات اداری نیست می‌توانند ساعات استفاده کنند

**رئیس** - آقای فیضیم الملک (اجازه) فیضیم الملک - اساساً باین موضوع که در موقع ساعت اداری مستخدمین باشد چون از سر کار خودشان حاضر باشند کسی مخالف نیست در این قسمت هم که معلمین مدارس را باید حتی امکان مساعدت کرد که از آنها استفاده بشود هیچ تردید نیست مخصوصاً در مملکت ما که هنوز معلم کم داریم و اشخاصی که پتوانند در مدارس درس بدene شاید کم باشند باید حتی امکان دستشان را باز بگذاریم و نباید محدود بگذیم بقید غیر وقت کار اداری زیرا همانطور که عرض کرد ممکن است اشخاصی که در ادارات باشند

که این تقاضا از طرف خودها می شد است و همچه احسان کرده اند که از این آب بیش از همه جا متنفع می شوند و خودشان را محتاج باین اقدام دیده اند و بعد از دست خیلی زیاد در اطراف این مسئله (همانطور که یکنفر بالغ و مسائلی باید برای نفع خود داشت) آنرا تقدیر باشید که این آب مطلع شود و دولت تقاضا کردن که فقط مجلس و دولت تقاضا کردن که فقط اجازه بدهند این آب مطلع شود و خودشان منتقبل می شوند این سیصد هزار تومان را به دهند که یکصد هزار تومان آن بلاعوض باشد (نه عنوان اعاء) و دویست هزار تومان آن را بعنوان قرض دولت بدهند با این شرط که اگر آب مطلع شد از اوین روزی که شروع باستفاده از این آب می شود این دویست هزار تومان را از بابت مالیات باقساط متساویه در مدت یازده سال محسوب بدارند و اگر موفق نشوند تمام این بول ضرر خود آنها باشد در صورتی که از طرف آنها این طور تقاضا شده و دولت هم بنای تعیینی بر کسی نگذاشته و پیچکس هم در در این موضوع در فشار نیست و مطابق خودشانست گمان می کنم کلمه تجمیل مورد نداشته باشد.

آیا کسی با آنها گفت که این بول را بدهند؟ کسی بر آنها تجمیل کرده؟ خود آنها آمده اند التماں می کنند

الآن قلب بول دهنده گان که آغاز برای آنها دلسوزی می کنند در اضطراب است که مبادا تصمیمی گرفته شود و این کار موقوف الاجرا بماند آنها این طور هستند و ما که می خواهیم بول بگیریم اظهار وحشت می کنیم و بیش از خود آنها برای آنها دلسوزی می کنیم!! آفای گروسی فرمودند حکم هنوان قرض نوشتن با آناریکه بر آن متربت است خلاف است بدنه هر ضمی کنم هیچ خلافی نشده در صورتی که خود قرض دهنده گان ذمہ داری هوند و نوشته می دهند که ما خودمان منتقبل هستیم اگر این آب مطلع شد و موقیت حاصل نشد این بول را از دولت خواهیم حالا مجلس بگویند شما مردمان نا بالغی هستید و ما همچو جزوی را برای شما صحیح نمی دانم آیا اینطور می شود؟ گمان نمی کنم مجلس چنین تکلیفی را داشته باشد البته آنها خودشان هائل هستند و می دانند که اگر آنها ندهند دولت اقدام نمی کند باز هم هر ضمی کنم رضایت آنها در این است و عنوان تعیین و اجرای نیست آفای حائزی زاده می فرمایند چرا صد هزار تومان بعنوان اعاء است

بنده اولاً توضیح اعراض می کنم در لایحه لفظ اعاء نوشته نشده و نایاب اعراض می کنم اگر این اعاء را تقبیم کنند بین مردم ایران همه حکم حاضر است و می دهد حالا اگر یک مردمانی خودشان حاضر شدند که بیانند اعاء بدهند و بول مجانی

آنکه مطرح مذاکره شد چند کلمه اصلاح لازم داشت که آقایان نمایندگان اصلاح فرمودند که یکی فقط آبخورد زاینده روود و یکی هم فقط قرض دهنده گان بود حالا که این فقط از بابت مالیات قرض دهنده گان اصفهان تصحیح شده و اضافه کردیده است دیگر محتاج باین تعبیری که آقای حاج شیخ محمد حسن فرمودند نیستیم و تمام این تفسیر هزار ایربت داده شده است و گلمه استقرار اعیان راهم آن روز عرض کردم هر قرض دهنده ممکن است بهر صیغه و بهر نوعی طلب خود را بیخدشید یا کاردیگر بکند و این عبارت منافات ندارد و محتاج با این تفاصیل هم نیست

رؤیس - آفای حائزی زاده (اجازه)

حائزی زاده - بنده در شور اول هم این جمله را عرض کردم که یک مبلغی بر اعمالی بنام اعاء تجمیل کردن کار ناصحبی است و همچنین این اسلامی که شده باز عبارت ناقص است در قسم اول این ماده اهالی اصفهان را برداشته اند و فقط آبخورد نوشته اند ولی درجای دیگر می نویسد در ظرف مدت یازده سال به اقساط متساویه از بابت مالیات اصفهان -

بنده عرض می کنم اصفهان علاوه بر آبخورد زاینده رود بلوکات دیگری هم دارد و باید در هر چند مالیات اصفهان نوشته شود (از بابت مالیات آبخورد زاینده رود) و همچنین

راجح باشند (اگر این بول را خرج کردن و تبعیجه حاصل نشد بهمه اهالی خواهد بود)

این جمله هم بعیده بنده ناصحبی است چرا باید اهالی بد بخت متضرر شوند؟

در صورتیکه قیچه حاصل نشود اگر ضری است باید بتمام مملکت تقسیم شود اگر منفعتی است باید بتمام مملکت تقسیم شود اصفهان که مملکت مجزائی بست و البته باید در منافع و مضر با تمام مملکت سهم باشد و تعییل بریک نقطه معین ناصحبی است و به هلاوه اسم اعاء هم نمی شود روی این صد هزار تومان گذاشت زیرا افلا اعاء محدود نیست و شاید با این اخلاق مامورین دولت وقته ما اسم اعاء گذاشتم که صدهزار تومان بگیرید اشخاصی راضی نیستند و نمی خواهند بول بدهند بشاراز آنها نخواهند گرفت و من مخالف با این ترتیب هستم و عقیده دارم که این سیصد هزار تومان را دولت خودش باید برای این مخارج متحمل شود و باید خلی از اهالی اعیان هم

منون شد که حاضرند شده اند دولت قرض بدهند اگر ما این تعمیلات را بکنیم جلوی قرضهای خارجی را خواهیم بست و بنده

با این اصل معتقد نیستم

هنجبر - اگرچه جواب آفامکرر هنوان داده شده لیکن باز هم می بینم تکرار می شود بنده هم مجبورم تکرار کنم

هنوان استقرار یعنی دولت یک مبلغی را برای یک شغلی فرض کنند با این شرط که یاس از اقدام بعمل و عدم حصول نتیجه دولت آن قرض را یس ندهد صحیح نیست ما آن عنوان استقرار یعنی بکشیم تا اینکه خلاف آثارش را در ماده دیگر بنویسیم و همچنین در صورتی که موفق شدند باز تبعیض در اداء آن وجه در یک مبلغی را دولت در مدت یانصد سال باقساط متساویه بپردازد و یک مقدارش را نهدید این هم صحیح نیست و نصود می - کنم این نه از آن اصلاحاتی است حکم اصلاح لفظی بباشد واهوبت با آن ندهند لازماست که این عنوان را از اینجا حذف کنند و مصود را نوعی بیان مسکنند که منافات با آن عنوان نداشته باشد و آناریکه آن عنوان دارد بر آن متربت شود و بنده بلاحظه این مطلب پیشنهادی کرده ام که تقدیم می کنم فرائت شود و بواسطه اول ممکن است ارفع این محدود و اشکال از عبارت ماده بشود (خود آفای گروسی پیشنهاد فوق بهضمن ذیل قرائت نمودند)

بنده پیشنهاد می نمایم که بجای مواد مذکور در لایحه العاق آب کارون

بزاینده رود ماده واحده لین طور نوشته

شود ،

ماده دوازده - دولت مجاز است

مطابق تقاضایی که شده مبلغ سیصد هزار تومان از مالکین اراضی زاینده رود اعیان اهالی خواهد بود که کمیسیون

برای مخارج العاق آب کارون بزاینده دود بگیرد بارهایت نمی از جای مکنت و استطاعت مالکین و بنضارت نمایندگان

صاحبان مبلغ این کارزار اخاتمه دهد در صورت

حصول نتیجه چونکه العاق آب کارون بزاینده رود موج از دیار عایدی دولت هم هست دولت بنلافی آن مکلف است که دونلت مبلغ فوق را در مدت یازده سال باقساط متساویه از محل مالیات بصاحبان

بول بدهد و محسوب بدارد و چنان خسارت وارده بر دیگران در این آب بهده مالکین است که از آب جدید منتفع می شوند

رؤیس - آفای مستشار اسلطنه (اجازه)

مستشار اسلطنه رؤیس بنده در این موضوع عرضی ندارم

رؤیس - آفای حائزی زاده

مخالفند؟

حائزی زاده - بنی

رؤیس - آفای محقق العلاماء

خطور؟

محقق العلاماء - موافق

رؤیس بفرمائید

محقق العلاماء - این ماده دوم بعد از

صورت مجلس با این اصلاح تصویب شد : چند فقره لایحه رسیده است گامی از کنتم بعد ارسال می شود بکمیسیونهای مربوطه یک فقره لایحه راجع به میزی همدمی که بکمیسیون قوانین مالیه ارجاع شده . دیگری که جدید آرسیده است لایحه میزی املاک بیان مالیه ارجاع می شود کمیسیون قوانین مالیه ارجاع شده دیگر تقدیمی هشت هزار تومان احتیاج برای مخارج احضار سوارهای بختیاری که بنا بود بخراسان بروند و نظر فتنه بکمیسیون بودجه فرستاده می شود بالفعل چیزی که باید مطرح شود لایحه العاق رود کوهرنگ زاینده رود است :

چون ماده دوم و سوم ارسال شده بود بکمیسیون و مجدد آز کمیسیون راپورت داده شده قرائت می شود . آفای سام السلطان راپورت کمیسیون قوانین عامه را بشرح ذیل قرائت نمودند )

کمیسیون فوائد عامه روز چهار شنبه هفدهم حوت منقاد و راجع بالعاق آب کوهرنگ ... دخیر - این راپورت مال سابق است .

رؤیس - ماده اول تصویب هده بود فقط ماده دوم و سوم مانده بود که کمیسیون ارجاع شده بود (کهنه شد صحیح است )

ماده دوم و سوم قرائت می شود بعد رأی می گیریم . (آفای سام السلطان ماده دوم و سوم را بهضمن ذیل قرائت نمودند )

ماده ۲ دویست هزار تومان از مبلغ مزبور در وزارت مالیه از اهالی آبخورد زاینده رود استقرار یعنی نموده و بعد از جریان و العاق آب کوهرنگ بزاینده رود در مدت یازده سال باقساط متساویه از

بابت مالیات اصفهان محسوب و بآن ها مسترد خواهد داشت و یکصد هزار تومان آن بلاعوض بعیده خود قرض دهنده گان خواهد بود و در صورت عدم موقیت کلیه بضاده همدمی که برای این مخارج از مالکین این محدود و باز این مخالفند

ماده ۳ دویست هزار تومان از مبلغ مزبور در وزارت مالیه از اهالی آبخورد زاینده رود استقرار یعنی نموده و بعد از جریان و العاق آب کوهرنگ بزاینده رود در مدت یازده سال باقساط متساویه از

بابت مالیات اصفهان محسوب و بآن ها آن بلاعوض بعیده خود قرض دهنده گان خواهد بود و باز این مخالفند

ماده ۴ دویست هزار تومان از مبلغ مزبور در وزارت مالیه از اهالی آبخورد زاینده رود استقرار یعنی نموده و بعد از جریان و العاق آب کوهرنگ بزاینده رود در مدت یازده سال باقساط متساویه از

بابت مالیات اصفهان محسوب و بآن ها آن بلاعوض بعیده خود قرض دهنده گان خواهد بود و باز این مخالفند

رؤیس - آفای گروسی . (اجازه ) آفای بخش همچنین - عنوانی که در یک ماده از مواد فائزون ذکر می شود بازدعا باید احکام آناریکه راجع آن عنوان داشت و بازدعا باید در صورت عدم موقیت کلیه بضاده همدمی که برای این مخارج از مالکین بزاینده قرض دهنده گان خواهد بود و باز این مخالفند

آن عنوان در آن ماده ذکر نشود .

رئیس ماده اول برای اینکه مطلب  
معلوم شود قرائت می شود  
(ماده اول و دوم را بهمن ذیل قرائت  
نمودند)

۱ مجلس شورای ملی برای تهیه  
وسائل العاق آب کوه رنگ بزاینده رود  
مبلغ سبصد هزار تومان بوزارت فواید عامله  
اعتبار می دهد

۲- دویست هزار تومان از مبلغ مزبور  
راوزارت مالیه از اهالی اصفهان استقرارش  
نموده و بعد از جریان والحق آب کوه رنگ  
بزاینده رود در ظرف مدت یازده سال  
با قساط متساوی از باخت مالیات اصفهان، محسوب  
با آنها مسترد خواهد داشت و یکصد هزار  
تومان آن بلاعوض بهمن خود اهالی خواهد  
بود و در صورت عدم موافقت کلیه صیاد  
هرار تومان بهمن اهالی است و بدلتوجهی  
تعلق خواهد گرفت

**آفاسیخ ابراهیم زنجانی - مرخصم**  
رئیس - نویت جذابی نرسیده با  
آفای کروسی . (اجازه)

**آفاسیخ محمد حسن گروسی -**  
آفای مخبر دقت نفرمودند در آنچه بنده عرض  
کردم هر عنوانی از عنوانین که در موقوفاتون  
ذکر نمی شود یعنی است آثار و احکام آنرا هم  
مراءات کرد و چیزهای خلاف آن عنوان در  
آن ماده ذکر نشود ،

این ماده قانون را درجاء ای که ملاحظه  
می کنند از آن هر چه می فهم بدن همان راهی  
مهمندیگر نمیدانند که ترتیب مطلب و خصوصیت  
کارچه بوده در کجا ای این واد نوشته هست  
آنها آمدنند و انتها کردند که دولت مجو  
کاری بکنند کی در مواد داین قانون اشاره شده  
است که این تقاضای آنها بوده و خود شان  
حاضر شده اند که مجانی بول بدهند چه بدهند  
ما باید این مطالب را بخود مادرد قانون به  
فهمیم اعم از اینکه مس بوق بقایان حالی و  
مقایسه در آن باب باشیم یا باشیم بنده عرض  
کردم که عنوان استقرار مناسب ندارد  
با این مطلب که گفته شود دولت وقتی مبلغی  
را برای کاری قرض کردویس از اقدام با آن  
کار اگر نتیجه پیدا نکرد دولت قرضش را  
نده و غیر از این چیز دیگری از این مادرد نمود  
نمی شود ولازم است که این نکات اصلاح  
شود .

رئیس - آفای حاج شیخ اسدالله  
(اجازه)

**حاج شیخ اسدالله - بلی اگر چه**  
ممکن بود این موادی که نوشته شده است  
بیکعبارتی واضحتر و روشن تر نوشته شود  
این را بنده تصدیق می کنم ولیکن این عبارتی  
هست که نوشته شده است بازم قبیل رامبرساند  
و محتاج بتغییر نیست و خود اهالی هم خوش  
وقت می شوند از اینکه هر چه زودتر این مواد  
از مجلس بگذرد و تصویب شود .  
مطلوب خیلی روش است و اهالی

دولت طلب دارد و در مقابلش سند دارد  
آنهم ضمیمه ملک باشد ؟ و اگر وقتی  
ملکش را بیکی واگذار کرد آن طلب  
هم جزو آن ملک بشود اینکه نمی شود  
میرمایند حکمی که غنیمت بر استغاثت  
کش است مگر ما کی گفتیم که این  
بهمن دولت را دیگران بدهند که باشند  
میرمالیات اصفهان دولت تادیه کندخواه  
اهم از این که از مر زاینده رود استفاده  
کنند یا نکند دولت این بول را باید تادیه  
کندخواه مالکین که از آب زاینده رود  
آب می برند مالیات بهمن باشند یا باشند و  
گمان می کنم حضر تعالی اشتباه فرموده  
اید و مخالفتی نداشت باشد

**رئیس - آفای زنجانی مخالفتی**  
**آفاسیخ ابراهیم - بلی این**  
ماده اصلاح لازم ندارد  
**رئیس بفرمائید**  
**آفاسیخ ابراهیم - این اصلاح عبارت**  
را خراب گردیده است و یک تنافضی بین  
شده در ماده اول سبصد هزار تومان بدولت  
اعتبار می دهنده در ماده دوم می نویسد  
دویست هزار تومان از آنرا فرض می کند  
و صدهزار تومان دیگر شبهه اهالی است  
کافی است .

چطور اعتبار سبصد هزار تومان بوزارت  
فواید همه می دهنده که دویست هزار  
تومان قرض صدهزار تومان - هر چه آن بهمن  
خود اهالی باشد ؟ چرا باید صدهزار تومان  
آن بهمن اهالی باشد ؟

در ماده اول که رای داده شد نوشته

شده است که مجلس سبصد هزار تومان

بدولت اعتبار می دهد که خرج کند و

برای این مطلب دولت باید از

می تواند قرض کند اگر دریافت می کند

هزار تومان باید قرض کندیم از

هزار تومان بدولت اعتبار داده نشده

است - (خطاب به منشیان) عبارت را

بخوانید .

**مخبر - مرحمت بفرمائید جواب کنم**  
بعد بخوانم عرض می کنم که مجلس به

وزارت فواید عامله سبصد هزار تومان اعتبار

می دهد که خرج کند نه کمتر و نه بیشتر

بعد خودش دستور می دهد که این سبصد

هزار تومان را چطور باید تضمیل کنی آیا

باید غارت کنی مالیات بکیری اعانه باشد ؟

استقرار باشد ؟ از اذای بکیرند ؟

از خارجه بکیرند دستور می دهد که

یکصد هزار تومان را بلاعوض بکیر -

و دویست هزار تومان را قرض کن اگر

دادند بکیر و اگر ندادند نگیر می خواهد

بکویید در صورتی تویی توانی مشغول عمل

بشوی که دویست هزار تومان بتو قرض

بدهند و یکصد هزار تومان آن را هم

بطور اعانه بتو بدهند .

اگر باین طریق بول دادند بکن و

اگر ندادند مکن دیگر کجاش باشد

اصلاح بشود ؟

می کنند لیکن در موقع بس رادن میرمایند  
چرا نوشته شده از باخت مالیات اصفهان پرداخته  
می شود عرض می کنم این قسم راجع بدولت  
است مریر امین می کنند که باشند از آن  
مرا این قرض تأثیر نمی داشته باشند ملا کین  
است دیگر لازم نیست که ذکر شود از ملا کین  
زاینده رود مالیات آنها می جزو مالیات اصفهان  
است و اینکه فرمودند باید نوشته شود از  
بابت مالیات قرض دهنده کان محسوب شود  
عرض می کنند شاید بیا باید نوشته نفر از ملا کین  
بواسطه اتفاق ای که می افتد مالیاتی بر عهده  
شان باشد و قرض هم داده باشند دولت چطور  
بول آنها دهد باید از باخت مالیات اصفهان  
قرض آنها را بدهد ، بعلاوه عرض  
می کنند آنها که قرض می دهند بکنندی در  
مقابله قرض خودشان از دولت دریافت می  
دارند و بس از چند سال دیگر شاید ملکشان  
را باید گردی و اگذار کردنده باید فروختند و  
سند قرض در دست آنها مانده البته باید از  
مالیات اصفهان بگیرند و اگر مایکوئیم از  
بابت مالیات همان املاک آب بخورد بگیرند بس  
این صند چه اعتبار دارد و محلش کجا است .

**رئیس - مذاکره در ماده دوم**  
قدیم - در ضمن شور در ماده دوم  
در جلسه سابق بنده اینجا بیشنهادی  
کردم که این عبارت اصلاح شود و مجلس  
هم پذیرفت ولی کمیسیون نیزیرفت است  
می خواهم جهت راسووال کنم که بچه دلیل  
کمیسیون نیزیرفت است که اینجا اولا  
ی گویند که دویست هزار تومان از  
مبلغ مزبور را وزارت مالیه  
از اهالی آب بخورد زاینده رود استقرار می  
کند آنوقت می نویسد بعد از آنکه آب جاری  
نمود آب کوه رنگ بزاینده رود ملحق شد  
و در مدت یازده سال زبایت مالیات اصفهان  
محسوب می دارد، آفایان تصدیق می فرمایند  
که نام صکنه اصفهان و مالیات دهنده کان از زاینده  
رود مشروب نمی شوند - بلی قسم آنها از  
زاینده رود و قسم دیگر که مهمتر و بیشتر  
است از قوات مشروب می شوند بنا بر این  
چگونه می شود که بول را دولت از اهالی  
آب بخورد زاینده رود استقرار کند و در موقع  
حساب کردن بحساب مالیات اهالی اصفهان  
محسوب بدارد این دعه عبارت باهم صداست  
و بنده بیشنهاد کرده بودم از همان اشخاصی  
که استقرار می کنند بایستی با همان اشخاص  
هم محسوب دارند یعنی، هوض جمله (از باخت  
مالیات اصفهان) بیشنهاد کرده بودم که  
نوشته شود (از باخت مالیات اصفهان دهنده کان)  
محسوب و با آنها مسترد خواهد داشت) حالا  
سؤال می کنم علت اینکه این بیشنهاد دو  
کمیسیون قبول نشده است چیست

**مخبر - اولا تصدیق می کنم همان**  
طور که آفای تدین فرمودند بلی اصلاح  
عبارتی است که ...  
**رئیس - این اصلاح عبارتی نیست**  
خبلی تفاوت دارد بلی بیشنهادی ایشان کردند  
و اینجا قابل توجه هم شد .  
**مخبر - همانطور که فرمودید تمام**  
اهالی از آب زاینده رود استفاده نمی  
کنند ولی استقرار از کسانی می شود که  
از آب زاینده رود مشروب می شوند و استفاده

## روزنامه رسمی گشور شاهنشاهی

دوره چهارم

نخواسته است يك تخصيصي بکسی داده باشد يا مثل اينکه ابتدا با گشتن دولت خودش ميخواهد اين اقدام را بگذرد و مجلس هم تصويب ميگذرد نه اينکه دولت و مجلس با اهالي يك مذاكرات و مقاولاتي قبل از تصور ب اين لایحه داشته اند و مانع خواهيم يك همچو چيزی را ثابت کرده باشيم از اين جهت بنده اين پيشنهاد را نمي پذيرم رئيس - رأي ميگيريم پيشنهاد آقاي آصف الملک - آفایانی که اين اصلاح را قابل توجه بدانند قيام فرمائند.

(عده قليلی قیام نمودند)

رئيس - قابل توجه نشده، اصلاح دوم فرائت ميشود (پيشنهاد آقای فهیم الملک را به ضمنون ذیل فرائت نمودند) بنده پيشنهاد ميگنم هزار آخرا ماده دوم باين قسم اصلاح شود،

دویست هزار تومن آنرا يس از جريان آب در مدت يازده سال با قساطمه تساوی سالانه از محل ماليات اصفهان بفرض دهنده گان مسترد ميگارد و يگر صدهزار تومن الخ (فهیم الملک)

رئيس - آقای فهیم الملک (اجازه)

فهیم الملک - هبارت اين ماده را يك قدری مختصر نوشته اند که اسباب اختلاف نظر و سوء تفاهم شده است ولذا ايراد آقای تدين بر اين هبارت وارد است اگر چه در اساس مختلف مابين آفایان اختلافات نیست

ولي هبارت ناقص است همان طوری که مذاکره شد اين مبلغ را هالي اصفهان بدولت قرض می دهنده برای يك مقصود معينی و ضمناً صالح و قرار داده گشته که ما يك ثلث آن را می بخشيم و دونكث آن را بارد کنند و اينجا در ماده دوم نوشته شده است که از بابت ماليات اصفهان محسوب می شود یعنی چه؟ گر مراد اين باشد که لغایت ماليات اصفهان کسر می شود اين همان ايرادي است که آفایان فرمودند و دولت اين يول را از هر کس که قرض گردد است بايد بهمان قرض دهنده گان رد گند

يعني از محل ماليات اصفهان دولت بايد بگيرد و بفرض دهنده گان بددهد اهم از اينکه آن ها در آنچه صاحب ملك و علاقه باشند يا نباشند وابن كلما (از بابت ماليات اصفهان محسوب شود) مقصود را خوب نمی برواند و اگر اين را بپوراند رفع اشتباه می شود و فقط نوشته شود (در مدت يازده سال از بابت ماليات اصفهان بفرض دهنده گان مسترد دارند) و دیگر ايرادي هم وارد نمی شود.

هخبار - فقط فرقی که بنده اينجا می بینم کلمه محسوب است اگر چنانچه مجلس بدولت اجازه بددهد که اين مبلغ را از بابت

این حرف اساساً صحيح است ولی خود اهالي اصفهان اين قرض را باین شرط قبول ميگشند و بگويندا گرآب نیامدما خودمان اين ضررها قبول ميگشم.

بنده اينکه ميفرمائند يول را در آنجا به نسبت تمويل اشخاص تقسيم بگشند عرض ميگنم نوشود اين يول را نسبت به تمويل اشخاص تقسيم بگشند بلکه نسبت به مقدار ملکی که اشخاص در آنجا دارند از آن ها گرفته می شود.

رئيس - ساقره اصلاح رسیده است فرائت ميشود.

(پيشنهاد آقای آصف الملک) بنده پيشنهاد ميگنم جزء آخر ماده سوم اين طور اصلاح شود؛ و يكصد هزار تومن آنرا انتظار گشته که خودهاي نموده اند بلاعوض و برعهده خواهد بود.

(آصف الملک) رئيس - توضیحی داريد.

آصف الملک - همانطور که آقای زنجاني اظهار فرمودند در ماده اول نوشته شده است که مجلس مبلغ سبصد هزار تومن بدولت اعتبار می دهد آنوقت در ماده دوم نوشته ميشود دویست هزار تومن آنرا وزارت ماليه از هالي اصفهان استقرار گشته باشد.

و يكصد هزار تومن آن بلاعوض بر عهده هالي خواهد بود البته مجلس نایاب اين تکليف را برای هالي مبنی گشود در صورتی که مجلس بدولت سبصد هزار تومن اعتبار ميدهد یعنی اين سبصد هزار تومن خود هالي متفق شده اند عليهذا برای اين که عبارت اين ماده صریح باشد باید اينطور نوشته شود که نظر به تهدی که هالي نموده اند بهده خودشان خواهد بود و باين ترتیب تصور ميگنم ماده اصلاح شود.

رئيس - آقای مخبر چه ميفرمائيد

هخبار - بنده اينجا را همچو معحتاج باصلاح نمی دانم و اينکه آقا ميفرمائيد سبصد هزار تومن که مجلس اعتبار می دهد بوزارت ماليه در واقع معنايش اين است که اجازه قرض داده است خير معنی اين بابت درذیش نوشته شده است.

(خطاب بمنشیها) پيشنهاد شان را فرائت بفرمائيد

رئيس - چه فرموديد؟

هخبار - عرض ميگنم که بفرمائيد آن پيشنهاد مجدد فرائت شود.

(مجددآ فرائت شد) هخبار - عرض ميگنم چنانچه در اين را پورت توجه بفرمائيد دولت و مجلس اهالي را در اين مشتمله طرف مذاکره خودش قرار نماده است یعنی مجلس و دولت

جاری شد آن يول را بپايدهيد و اگر جاري نشد اين يك يولي است که بغير اداده ايم و همچو اشكال ندارد بنده حقيمه اين است که اين است که اين لا يجه بهمین كيفيت بگنردد و ييشتاز اين طول نکشدو تکليف اهالي اصفهان زودتر معلوم شود.

رئيس - آقای حاج مقابله اهالي اصفهان موافق هستيد؟

حاج مقابله - با عبارت حاج مقابله مدهافم.

رئيس - بفرمائيد.

حاج مقابله - بنده تصور ميگنم که خاطر آفایان هنوز از پيشنهاد

اهالي اصفهان درست مستحضر نشده است اين خجال را دولت نگرده است که از کسی قرض گند فقط خود هالي اصفهان آنده اين تقاضا را از دولت گرده اند که مامبخواهيم يك همچو گاري بگنديم شما مساعدت بگنيد و ما يول بدهيم اگر آب جاري شد آن وقت دولت در مدت يازده سال از بابت ماليات مامحسوب نماید هكایت قرض واعده بنيست خود آنها استدعا گرده اند و بنده گمان ميگنم اگر همان استدعائي که آنها گرده اند قبول گشته بهتر باشد و بهبودجه لازم نیست که يك دخل و تصرف دیگري در آن بگنديم. بنده استدعا گشته که همان تقاضا آنها را قبول گشته (اجازه)

عماد السلطنه - اگر چه آقای

حاج شيخ اسد الله جواب اعتراضات آقای تدين را دادند لیکن برای اينکه کاملاً مقابله بشوند عرض ميگنم ملاش شخصی امروز بهلوی زایندگرود ملکی داردو پس از دو سه سال آن ملک را بدیگري میغروشند و اين قبض دستش می ماند بعد از يازده سال که میآيد در اداره ماليه از او میورسد کشما در آبخور زایندگرود ملک داريد يانداريد؟ ميگويد خير. آن وقت جواب ميگويد که من بایستی اين يول را فقط از بابت ماليات مالکين آبخور زایندگرود محسوب بدارم آن شخص هم که در آن تاريخ مملک داشته است وحالا ندارد لذا تولید اشكال خواهد شد پس باید از

بابت ماليات اصفهان نوشته شود تا دفع اين اشكال بكلی بشود.

اما اينکه آقای حاج مقابله می-

فرمائند قرض نیست اهانه هم نیست بنده تصور ميگنم که هم قرض است هم اهانه بواسمه اينکه آن دویست هزار تومن را که دولت از بابت ماليات حساب ميگنند در حقیقت يك قرضی است که اهالي بدولت داده اند و آن يكصد هزار تومنی را که امروز هالي بدولت ميدهند آنهم يك اعماه است از طرف اهالي داده بشود و اينکه آقای گروسی راجع بعنوان قرض اعتراض فرمودند که قرض رانی شود گفت اگر آب چاري نشد دولت نمدهند

اصفهان هم خودشان همین قسم تقاضا گرده اند و بر فرض اينکه تقاضا هم نگرده باشد هنوان گرفتن يول بخود استقرار است و استقرار ميشود که دولت ميخواهد از اسنه هزار تومن قرض گند برای الحال اين آب بزایندگ درود باين كيفيت که صد هزار تومن از اينوجه بهده خود شما باشد و دوست هزار تومن آن را پس از الحال آب دولت در مدت يازده سال با قساطمه از بابت ماليات پيردازد اگر قبول گشته باشد و اين قرض را دادند دولت مشغول اقدام و عملیات ميشود و اگر ندارند دولت اقدام نمیگند و اگر چه ممکن بود اين عبارت واضح باشد از اين نوشته شود ولی اينطورهم که نوشته شد ماست هليبي ندارد واما راجع باينکه اينجا نوشته شده است (از بابت ماليات اصفهان تا دهه ميشود) تصور ميگنم که اين مطلب هم چندان اشكال نداشت باشد زيرا امروز دولت از اهالي آبخور زایندگرود قرض ميگند و به حال اين قرض را باید دولت بدهد و اگر در موقع يرداخت ماليات قرض دهنده مالک آن ملک باشد ابنته از ماليات او کسر خواهد شد و اگر مالک ملک نباشد وانقلاب بدیگري داده باشد آنهم از دو حال خارج نیست يابينکه آن طلب خود را بهمتری منتقل ميگند يا اينکه انتقال بهمتری نمیدهد خودش طلبکار است در اينصورت اين مطلب خيلي ساده نوشته شده که از بابت ماليات اصفهان در مدت يازده سال تا دهه ميشود و بنده اين ماده را بانطباط

باينکه انتقال بهمتری منقل ميگند يا اينکه انتقال بهمتری نمیدهد خودش طلبکار است در اينصورت رئيس - آقای عماد السلطنه طباطبائي (اجازه)

عماد السلطنه - اگر چه آقای

حاج شيخ اسد الله جواب اعتراضات آقای تدين را دادند لیکن برای اينکه کاملاً مقابله بشوند عرض ميگنم ملاش شخصی امروز بهلوی زایندگرود ملکی داردو پس از دو سه سال آن ملک را بدیگري میغروشند و اين قبض دستش می ماند بعد از يازده سال که میآید در اداره ماليه از او میورسد کشما در آبخور زایندگرود ملک داريد يانداريد؟ ميگويد خير. آن وقت جواب ميگويد که من بایستی اين يول را فقط از بابت ماليات مالکين آبخور زایندگرود محسوب بدارم آن شخص هم که در آن تاريخ مملک داشته است وحالا ندارد لذا تولید اشكال خواهد شد پس باید از

بابت ماليات اصفهان نوشته شده بهتر است. واما اينکه آقای هاري زاده فرمودند که (ابن چه تعماي است بوردم بگنديم و اگر آب جريان يدازند گردند يك هزار تومن را بآنها بزنده) اگر آنچه هاري زاده فرمودند که در اين مطلب خيلي ساده نوشته شده که از

بابت ماليات باش خصوص يول بدهد پس همین قسم گنوشته شده بهتر است. واما اينکه آقای هاري زاده فرمودند که (ابن چه تعماي است بوردم بگنديم و اگر آب جريان يدازند گردند يك هزار تومن را بآنها بزنده) اگر آنچه هاري زاده فرمودند که در اين مطلب خيلي ساده نوشته شده که از

بابت ماليات باش خصوص يول بدهد پس همین قسم گنوشته شده بهتر است. واما اينکه آقای هاري زاده فرمودند که در اين مطلب خيلي ساده نوشته شده که از

بابت ماليات اصفهان نوشته شود تا دفع اين اشكال بكلی بشود.

اما اينکه آقای حاج مقابله می-

برای اينکه از اشخاصی که دارا هستند

ميگند و بغير اينکه ميدهند

بنده کيفيت موافق

مردم و مقصد خود شما است و باينچيلي از

ابن مطلب خوشوفت بشويد که کاري

برای يككاران تهيه ميشود يولی از مالک

ميگيرند به عمله و کاري گر ميدهند پس چه

تعملی است بر اهالي اصفهان خود آن

مالک باكمال ميل استقبال ميگند و امر ورز

خواهش ميشوند که آفایان شما

اجازه بدهند ما يول را ميدهيم اگر آب

تغییراتی بمنظور شان مبررسد باید بعنوان ماده‌العاقبیه  
بیشنهاد نمایند حالا اگر می‌خواهد راجع  
باصلاح ماده دوم مذاکره نمایند

متوجه هاشم‌پور زاده بنته بیشنهاد

خود را مستردیدارم

رئیس آقای معتمدالسلطنه هم مسترد

نمایند

مهده‌السلطنه با

رئیس - ماده سوم قرائت می‌شود

مهده‌پور ماده دوم را با آن اصلاحی

که آقای فهیم الملک بیشنهاد کردد بنده

می‌پذیرم خوب است در آن ماده رای

گرفته شود

و ظیوه نمایند

و قبل از این حکم رای گرفته شود به

پذیرید

ماده سوم قرائت می‌شود

(بعضیون ذیل قرائت شد)

ماده ۳ جنابه از العاق آب گوهرنک

بازینه رود خسارتنی بخطی وار: مطالیق

ممول به محل و تصدیق اهل اخباره چهاران

آن بر عهده خود مالکین آبخورد رازینه

رود خواهد بود

رئیس آقای مدرس موافقید

هر دویس - بلی

رئیس - آقای حائری زاده (ابزاره)

حائزی زاده - بنده اصلاح نمی‌نمدم

آقایان مذاکره بیشنهاد که این لایحه تقریباً

از طرف خود اهلی اصفهان بیشنهاد شده

مانع توانیم اطلاعات خارجی خودمان را

برای مذاکرات در مجلس مدرک فرازدیم

این لایحه را دولت بیشنهاد نموده و در این

صیغه هزار تومان اعتبار خواسته است و

دولت برای قرض شرایطی معین نموده

و بالآخر دولت باید اگر خسارتنی متوجه

شود چهاران نمایند در اینصورت اینکه می

فرمایند اگر خسارتنی وارد شد بهدهد اهلی

بازینه رود باشد بنده نمی‌فهمم و هیچ

منابعی ندارد.

رئیس - آقای مستشار السلطنه

موافقید؟

هر دویس - آقای شاهزاده - بلی

رئیس - بفرمائید

هر دویس - آقای السلطنه - بنده خیلی تعجب

نمی‌کنم که آقای حائزی زاده بعد از این

توصیه‌های تکه آقای مخبر دادند و مذاکراتی

که آقایان موافقت بنویه خود فرمودند باز

هم تردید دارند البته باید گفته شود دولت

و ملت یکسان هستند اما باید از اینکه ملت

اسفهان حاضر باشد متساویه از بابت مالیات

که نظائر و امثال نداشته است و حساحتیاج

آنها را وارد نموده است که چنین بیشنهادی

نمایند و از آنطرف هم دولت امر و زاستعفای

اغدام باین امر را شخصاً ندارد ما نمایند

بگوئیم حقاً دولت باید تمام این مخارج را

بمعده پکیزد صحیح است حق دولت است

## روزنامه رسمی کشورشاهنشاهی

بیشنهاد اینطور مفهوم من شود که قرض  
از کسی دیگر می‌کنند و بدیگری هوض  
می‌دهند

بنده هیچ فلسفه نمی‌یابم از برای این  
که یک اشخاصی قرض بدنه و قرض آن  
ها را بدیگران رد کنند این است که بنده  
این بیشنهاد را کردم،

هیچیز - بنده گمان نمی‌کنم که کسی  
هچوچیز را فائز شده باشد آیا در

راپورت اینطور تصریح شده است که از  
کسی قرض کنند و بدیگری بیرون از

التبه تصدیق می‌فرمایند که اینطور  
نیست و بلاشبه هر کسی بول می‌دهد بخوش

پس می‌دهند

رئیس - رأی می‌گیریم آقایان که  
اصلاح آقای قمی را قابل توجه می‌دانند

فیام نمایند

(عده قلبی قیام نمودند)

قابل توجه نشود

بیشنهادی از طرف آقای وحدت‌الملک  
رسیده است قرائت می‌شود

(بعضیون ذیل قرائت شد)

بنده بجهای (بانها) (بفرض دهنده کان)  
نوشته شده است

(و بعد الماء)  
رئیس - نظر جنابه ای هم در اینجا  
نامین شده است.

وحید الدالیل - بلی

رئیس - اصلاح آقای حائزی زاده  
قرائت می‌شود.

(بعضیون ذیل قرائت شد)

بنده بیشنهاد می‌کنم هوض (بات  
مالیات اصفهان) نوشته شود (بات مالیات  
آبخورد رازینه رود)

(حائزی زاده)

رئیس - توضیحی دارد بفرمائید.  
حائزی زاده - این مسئله دینه

شده است که مأمور برای هرجار و آنها می‌کنند  
در راه سبورسات می‌گرد و مشغول یک

عملیاتی می‌شود وقتی نوشته شد بابت مالیات  
اسفهان ممکن است اهلی آبخورد رازینه

رود مردمان فقیری باشند و اداره مالیات  
آنها را بگرد و از بابت قرضی که داده

اند حواله کنند باشخاسی که وصولش  
برای آنها شکال داشته باشد و چون هقینه  
یمنه اینست که منافع آب ماید آبخورد

راینده رود بشود و قرض را هم مانها می‌برد  
بردازند لذا خوب است از بابت مالیات همانها

هم محسوب شود نه اینکه مالیات‌های محل  
دیگر اصفهان را حواله کنند که قرض دهنده

گان دویافت دارند

هیچیز - جواب فرمایش آن مکرر  
داده شده و بنده این بیشنهاد را نمی‌پذیرم

رئیس - رأی می‌گیریم آقایان که  
این بیشنهاد را قابل توجه می‌دانند قیام

فرمایند

مالیات اصفهان توکه وزارت مالیه هستی  
محسوب بدار

یعنی بفرض دهنده کان مسترد بگشتن  
بنده گمان نمی‌کنم که هیچ تعمی  
باشد و مقصود جنابه ای هم حاصل است  
و چندان اشکالی هم ندارد لذا نمی‌  
پذیرم.

رئیس - دوباره قرائت می‌شود و رأی  
می‌گیریم

(مجدداً بشرح فوق قرائت شد)

رئیس - آقایان که این اصلاح را  
قابل توجه می‌دانند قیام بفرمائید

(عده قیام نمودند)

رئیس - مشکوک شد دوباره قرائت  
می‌شود و بعد رأی می‌گیریم  
فیض‌الملک - اجازه بفرمائید  
که ماده را با این اصلاح بخوانند تا مطلب

خوب معاوم بشود.

رئیس - در صورتی می‌شود این کار  
را اکرد که این بیشنهادها را قابل از وقت  
بگنبد تا آن ها را مرتب نموده و بخوانند.

(مجدداً بطریق مرقوم قرائت شد)

رئیس - رأی می‌گیریم به قابل توجه  
بودن این بیشنهاد آقایان که این بیشنهاد را قابل توجه  
می‌دانند قیام فرایند.

(غلب قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد  
آقای تدبین نظر جنابه ای هم در این  
جا تأمین شده است

قدیم - بلی صحیح است.

رئیس - بیشنهادی رسیده است که  
امضاء ندارد.

آقامیرزا ابراهیم قمی - بیشنهاد  
بنده است.

رئیس - بیشنهاد آقای قمی قرائت  
می‌شود.

(بعضیون ذیل قرائت شد)

بنده بیشنهاد می‌کنم که ماده دو این  
طور اصلاح شود.

دویست هزار تومان از مبلغ مزبور  
را وزارت مالیه از اهلی آبخورد رازینه -

رود استقرار نموده و بعد از جریان و  
العاق آب کومنکه برازینه رود در طرف  
مدت یانزده سال با قساط متساویه از بابت

مالیات قرض دهنده کان آبخورد زاینده محسوب  
و با آنها مسترد خواهد داشت و بگشمه  
هزار تومان آن را بطوری که اهلان در

عهده گرفته اند بلاهوض بعده خود آنها  
است و در صورت عدم موافقت کلیه بسند  
هزار تومان در عهده اهلی مزبور است و  
ربطی بدولت ندارد.

رئیس - آقای قمی توضیح هم  
می‌دهد

آقامیرزا ابراهیم - تحال مرسوم  
این بود که هر کس قرض می‌داند بهمان  
قرض دهنده هوض می‌داند حالا از این

عده قلبی قیام نمودند  
قابل توجه نشد اصلاح آقای سردار  
جنک قرائت می‌شود

بعضیون ذیل قرائت شد  
بنده بیشنهاد می‌کنم که نوشته شود

در مدت ده سال بفرض دهنده کان باست ایالات  
دارد شده داده شده باشد

سردار جنک قرائت می‌شود  
و آقای قمی توضیح بفرمائید

سردار جنک عرض می‌کند عرض بنده  
که این بول را آبخورد زاینده رود بیشنهاد

و تبعیه اش با آنها می‌رسد بنابراین بیشنهاد  
کرد ام آب که جاری شد ده ساله بول را

دولت باهای آبخورد زاینده رود بیشنهاد  
و افق ایالاتی این طبقه داده باشد

و آقای قمی نظر جنابه ای هم در اینجا  
نامین شده است

رسیده است قرائت می‌شود

(بعضیون ذیل قرائت شد)

کمیسون از قرار ذیل تغییر نمایند

ماده اول - مجلس شورای ملی بر  
حسب بیشنهاد و تقاضای اهلی اصفهان به

دولت اجازه میدهد که سیمه هزار تومانی  
را که ملاکین آبخورد زاینده رود برای

مخارج العاق آب کومنکه برازینه رود  
حاضر مستند بصری بر صانند یانزده

مبلغ مزبور را باعتبار وزارت فرمانده  
بگذارند

ماده دوم بیشنهاد می‌کند این طبقه داده

به زاینده رود دو دوایت مجاز است که دویایت  
هزار تومان از مبلغ مزبور را در مدت

یانزده سال با قساط متساویه از بابت مالیات  
اسفهان برازینه رود نه اینکه مالیات‌

## دروز نامه رسمی کشور شاهنشاهی

**حاج میرزا هر قشمی** - بنده با اصل موضوع مخالفتی ندارم ولی با ترتیبی ک در رایورت کمیسیون قید شده مخالفم بعقیده بنده این خرج باید از محل مبلغ پنجاه هزار تومان که تا اول حمل بدولت اعتبار داده شده بشود به از مبلغ نهصد هزار تومان سال آتبه بنابراین نمیدانم بجهه جویت کمیسیون از آن مبلغ نهصد هزار تومان تصویب نمودواز پنجاه هزار تومان اسمی برده است.

**سپاهان‌السلطان منشی کمیسیون** چون این مخارج در سال آنچه خواهد شد لذا از اعتباری که برای سال آتبه منظور شده بمصرف خواهد رسید و از اعتبار همان سال هم محسوب خواهد شد.

**رئیس** - آفای حاجی زاد  
(اجازه)

**حائزی زاده** - مطلبی که میخواستم هر چیز کفته شد دیگر هر رضی ندارم.  
رئیس - آنچه حاج شیخ اسد الله موافقت؟

**حاج شیخ اسد الله** - بلی موافقم.

**رئیس** - آفای محمد هاشم میرزا چطورد؟

**محمد‌الهادی‌الله‌میرزا** - عرايض بنده هم گفته شده

**رئیس** - آفای سليمان میرزا  
(اجازه)

**سلیمان‌عیرزا** - بنابر آنچه آفای سپاهان‌السلطان شرح دادند این مخارج متعلق به سال آینده است بنابر این بهترین است که ما بودجه سال آتبه ریک سره تصویب کنیم زیرا هیچ دلیل ندارد ما برای هر یک از مواد بودجه جدا جدا ریک لایحه ترتیب بدھیم و در آن رای بگیریم چون این خرج راجع به سال آینده است خوب است در موقعیکه دولت مخارج سال آتبه رای مجلس پیشنهاد مینماید این خرج را هم در ضمن آن تقدیم دارد شاید کم کم با این ترتیب از اوابیع جدا کانه متنسلص شویم البته اگر دولت ریک کارهایی میخواهد بگند خوبست تمامش را در تصریح گرفته و یکدنه پیشنهاد نماید و لاآز برای هر دویست تومان یا پانصد تومان ریک لایحه ترتیب دادن و مذاکره کردن گمان میکنم موافق هیچ ترتیبی نباشد.

**سپاهان‌السلطان** - چون دولت در نظر دارد هر چه زودتر شروع باشتمان این بنا نماید لهذا زودتر این لایحه را پیشنهاد کردن که بزودی تصویب شود و زود شروع بعمل نمایند بنما بر این هلت تسریع در این امر و اینکه این لایحه را جدا کانه پیشنهاد کردن برای سرعت در عمل بوده والا همانطور که میفرمایند

**آصف‌الممالک** - در این رایورت

می‌نویسد (چنانچه از العاق آب کوهرنک) بزاینده دود خساراتی بمحلى وارد آید) معلم یک کلمه مجمل است و معلوم نبست مقصود چه چیز است و تصور می‌کنم اگر هبارت اصلاح شود یعنی نوشته شود (اگر خسارات ملکی باشخاص وارد شود مطابق معمول به محل و بتصدیق اهل خبر جبران شود) خیلی بیشتر خواهد بود و اینطور مجمل نمی‌ماند.

**هنجبور** - در صورتی که ماقید کردیم اگر از العاق آب کوهرنک بزاینده رود خساراتی وارد شود ابتدا ممکن است چندین نوع خسارات تصور شود از قبیل مشروب نشدن و یا جهات دیگر که لازم و ملزم تغییر مجرای ریک رودخانه است در این صورت هر فرم خساراتی وارد شود باید جبران گردد.

**رئیس** - آفایان مذاکرات را کافی نمی‌دانند؟

(بعضی گفتند کافی است)

**رئیس-رأی** می‌گیریم به ماده سوم پیشنهاد کمیسیون آفایانی که این ماده سوم را تصویب می‌کنند قبام بفرمایند.

(اکثر نمایندگان قبام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد:  
بعقیده‌مذاکرات راجع این لایحه موکول بجلسه دیگر می‌شود:

بعجالات اگر مانع نیاشد نیم ساعت نفس شود.

«جلسه برای تنفس تعطیل و پس از سه ربع ساعت مجدد آتشکلی کردید»

**رئیس** - آفای گروسی پیشنهادی را که نموده اید فرائت شود و یا مسترد می‌دارید

گروسی - مسترد می‌دارم.

**رئیس** - رایورت کمیسیون بودجه فرائت می‌شود.

(بعضیون فرائت شد)

در جلسه چهارم حوت هزار و سیصد کمیسیون بودجه لایحه مورخه ۶ دلو دولت را تحت مطالعه در آورد و ماده واحده را که مبنی بر اعتبار مبلغ دو هزار و پانصد و چهل تومان برای بناء جدیدی در بندر قشم برای محل مخزن و شعبه گمران پیشنهاد شده بود تصویب نمود.

این مبلغ از اعتبار هزار تومان که در قانون بودجه سنه ایتیبل ۱۳۰۱ برای

مخارج بیشینی نشده منظور گردیده است محسوب خواهد شد.

**رئیس** - آفای حاج میرزا مرتضی  
(اجازه)

## وارد شود)

بنده پیشنهاد کردم نوشته شود (چنانچه خساراتی باهالی آبخور فعلی و مجرای فعلی رودخانه یا نفاط دیگر وارد شود البته این خسارات را اهالی اصفهان که بک فوائد و منافع کلی از تغییر خط رودخانه میتوانند خواهند شد)

آفایان هم این اصلاح را قابل توجه دانستند باز هم نکرار می‌کنم اشخاصی که از تغییر خط رودخانه استفاده در نظر دارند باید بدانند که یک خساراتی هم توجه این کار خواهد شد و باید هم دولت وهم آنها این بیشینی را باید بدانند

منتهی دو لشادر این موقع، می‌تواند دولت خودش بالاحساس خود برداشته است استقبال نمائیم و در انجام تصدیق آنها موانع و مساعدت کنیم تاسیز شهرها و ایسلاط و ولایات هم این احساسات اهالی اصفهان را حسن تلقی نموده و برای آسایش خودشان اینگونه پیشنهاد را بدولت بنایند.

**رئیس** - آفای وحدت‌الملک مخالفید و حجید‌الهادیک - بلی

و رئیس - باز ماناید و حجید‌الهادی - من در ضمن شور

دوم یک اصلاح عبارتی در این ماده پیشنهاد نمود و از طرف آفایان هم غایل توجه شد

ولی بکمیسیون که مراجعه شده است آفایان اعضا کمیشیون بآن توجهی نقر نموده اند و آنرا در کرده اند بنده آفایان رام‌لشمن می‌سازم که من برعلیه هیچ لایحه

د رایخ با بادی مملکت مجلس می‌اید بوده و نخواهم بود و مخصوصاً با این لایحه

که باعث آبادانی ولایت زر خوزی مازنده اند اینها می‌شوند معاولاً موافقم ولی ایرادات بند اراداتی بود که در آنچه از بعضی اشکالات جاوگیری می‌نمود و مخصوصاً نظریکه بنده در این ماده داشتم این بود مکن

البته آفایان بخوبی می‌دانند مجری و خط

یک رودخانه را تغییر دادن مستلزم این است که این ناقمی راعم ذیر و زناید و مخصوصاً در یک معلمی که کم آب است رودخانه هم هر قدر هم این معرف باشد باز منافع خواهد داشت و از تغییر آن خساراتی متوجه خواهد شد

برای جلوگیری از این اشکالات و برای آنکه خود اهالی اصفهان در آتبه دچار مشکلاتی نشوند بنده پیشنهادی کردم و آفایان هم قابل توجه دانستند و بکمیسیون از جای شد کمیسیون بنده را احضار کردند

بنده هم حاضر شدم ولی چون وقت گذشته بود متأسفانه رایخ بایان ماده هذا کرانی

نماید و بعد بکمیسیون این پیشنهاد را قبول نموده اند و بیمان ترتیب اولی دو باره

پیشنهاد کرده اند در صورتی که این ماده با پیشنهادی چندان تفاوتی ندارد

آفایان اعضاء کمیسیون نوشته اند (چنانچه از العاق آب خساراتی بمحلى

## روزنامه وسمی کشور شاهنشاهی

بودجه چنانچه خاطر مبارک آفایان مستدرص  
است مورد مطالعه و دقت در آمده و در  
حضور کفیل وزارت مالیه و معاون وزارت  
خارجه با نهایت دقیق بدو سیه های آن  
مراجعة و مطالبه که مورد توجه اتفاق شده  
از قراری گذیلا بر پرس میرساند  
ترتیب مکاتباتی که بین دولت ایران  
و دولتین روس و انگلیس مبارله شده است  
دولتین روس و انگلیس بنوان سرانوریوم  
یعنی تا خیر پرداخت افساط فروض قبول  
کردند تا یکماه بعد از خاتمه جنگ تا  
ماهی سی هزار لیره از هایدات گرفکردا  
بدولت ایران داده چنانچه اضافه از مبلغ  
فوق شود از بابت

افساط استقرار خود برداشت نمایند  
از روی دو سیه شرح فوق است بسط  
و چون ترتیب فوق در صورت صحت اجرا  
که وجهه عواید گرفکرده دولت علیه عیناً  
داده شود باعث خساره نمیشد  
لهذا اعضاء کمیسیون لازم دیدند  
ترتیب جریان آن را از صورت حساب بانک  
بدولت راجع به عمل گردید گمرکات  
ملاظه نمایند و از طرف وزارت مالیه  
صورت مزبور بکمیسیون ارسال و آفای  
آذربایجان برای دادن توضیعات دعوت  
شدند کلبه وجهی که دولت از بابت سرانور  
یوم از دولتین روس و انگلیس دریافت  
داشته هستند و هفده هزار لیره است و  
چون بین دولت ایران و دولت انگلیس با  
بانک شاهنشاهی راجع به تسعیر لیره  
اختلافاتی بوده لهذا از یکسال قبل از  
اختتمام جنگ دولت ایران این وجهه را دریافت  
نمایند و اساساً اختلاف تسعیر لیره در بین  
و مطروح مذکور است از روی صورت  
اختلاف تسعیری درجه از طرف بانک در  
حسابها منظور شده که از طرف کمیسیون  
بوزارت مالیه مراجعت و تأکید شده است که  
علت این اختلاف حساب را رسیدگی و  
معین نموده نتیجه را بکمیسیون اطلاع  
دهند راجع باصل برانوریوم نسبت  
وجهی که از این مشتمل هزار لیره متعلق  
بر روس و انگلیس بوده آنچه نظر کمیسیون  
است بیشتر آن مربوط بر روس بوده و گرفتار  
متعلق بانگلیس است و آنچه راجع بدولت  
روس بوده است که موضوع خارجی ندارد  
و آن چه متعلق بانگلیس باشد مطابق  
سرانوریوم باید عمل شود این تحقیقاتی  
بوده است که کمیسیون گردد و نسبت بصورت  
تسعیر اپرمه بناء شد دولت تحقیقاتی بکند  
و نتیجه آن را بکمیسیون بودجه بفرستند.

رئیس - آفای مدرس راجع باین  
مطلوب است  
هدیه - خیر مطلب علیحده است.  
رئیس - آفای فهیم الملک  
(اجازه)  
فهیم الملک - بنده گمان میکنم

بودجه راجع بورنه مرحوم وقار الدوّله که  
در چند جلسه قبل بلا نتیجه ماند لازم است  
قرائت شود

جمعی گفتند - خیر  
رئیس - پس مجدد رأی گرفته می  
شود آفایانی که تصویب میکنند ورقه  
سفید و آفایانیکه رد می کنند ورقه کبود  
خواهند داد.

(أخذ آراء بعمل آمده و بترتیب دلیل)  
(نتیجه حاصل گردید)

(عدد حضار ۷۱) - ورقه سفید هلامت

قبول ۵۱ - ورقه کبود ۲ امتحان ۱۸  
رئیس - با کثریت اهرازی تصویب  
شد.

اسامي قبول کنندگان

آفایان قوام الدوّله - صوصاص السلطنه

آفایان میرزا محمد صادق طباطبائی - بیان

الدوّله - ملک آرایی - تدین - ارباب

کبخرسرو - وکیل الملک - سهام السلطنه

معتمد السلطنه - احتمام الدوّله - نصیر

دیوان - عاد السلطنه طباطبائی - وقار

الملک - نصیر السلطنه - شریعتدار

کرمانی - محمد هاشم میرزا عدل السلطنه

رئیس التجار - سردار چنگ - ملک

الشعراء - عاد السلطنه خراسانی - آفای

سید فاضل کاشانی - آفای کاظمی زادی

همید الملک - حاج میرزا تقی خان -

آفای میرزا ابراهیم قمی - صدر ارایی -

آفای شید یعقوب - جلیل الملک - منتصر

الملک - حاج میرزا مرتضی - سردار

مفخم - رفعت الدوّله - امین الشریعه -

شیخ الاسلام اصفهانی - صدر الاسلام ابهری

حاج میرزا عبدالوهاب - مدرس - سردار

معظم کردستانی - بیان الملک - آفای

میرزانشکانی - مستشار السلطنه - رکن

الملک - شیخ الاسلام ملایری - مساوات

آفای سید حسن کاشانی - آصف

الملک - آفای سید محمد تقی طباطبائی -

امیر ناصر - سلطان العلماء

اسامي رد کنندگان

آفای حائری زاده - آفای

بهاء اللہ

رئیس - آفای فهیم الملک

(اجازه)

مهیم الملک - بشنو در جلسه

قبل در خصوص دوازده کرون

وجهی که آفای آفای میرزا احمد خان

آذربایجان در باب معاسبات دولت و

بانک پیدا کرده بودند و اکرم و آفای

حاج شیخ اسد الله هرچه اظهار فرمودند

ولی چون وقت کندشه بود جواب کامل

داده نشحالا خواهش می کنم در کمیسیون

بودجه در اینخصوص اطلاع کاملی دارند

بفرمایند که مستحضر باشیم

سهام السلطنه بنوش کمیسیون بودجه

بیشنها آفای آفای میرزا احمد خان آذربایجان

در خصوص سرانوریوم در شعبه کمیسیون

باقی بودجه هامه مین روزها در کمیسیون  
تصویب می شود و رایورش مجلس شورای  
ملو تقدیم می شود و از برای مخارج فوق  
الماده همینطور که فرمودید یا اعتباری  
در بودجه گلی نوشته شده و این قبیل مخارج  
از بابت آن اعتبار بمصرف برسید و کمیسیون  
بودجه هم در این لایحه که بیشنها دارد  
مین نظر را داشت و بهمین مناسبت تصویب  
نمود که از بابت اعتبار سنه آن به پرداخته  
شود ذیرا در واقع این خرج خارج از  
اعتبار وزارتتخانهها و دولت نیست منتهی چون  
فوریت داشت عجالتاً مجلس تصویب  
می کند که این بنا بردار دولت بسازد و جزء  
اعتبار سنه آنیه بخراج یاورد

رئیس - دیگر مخالفی نیست که ام  
(گفته شد خیر)

رئیس - باوره رأی می کیریم -  
آقامانی که تصویب میکنند ورقه سفید والا

ورقه کبود خواهند داد.

ورقه آراء اخنو آفایان ملک آرایی  
و سهام السلطنه استخراج آرائمه و بترتیب  
ذیل نتیجه حاصل گردید.

عده حضار ۲۱ ورقه سفید و هلامت  
(قبول ۴۰۴)

(ورقه کبود ۳ امتحان ۱۴)

رئیس - عدد حضار ۱۱. با اکثریت  
۴۵ رأی تصویب شد.

اسامي قبول کنندگان

آفایان حاج میرزا تقی خان - رئیس

التجار - معتمد السلطنه - محمد هاشم میرزا

حاج شیخ اسد الله - هاد السلطنه طباطبائی

وکیل الملک - امیر ناصر - آفای میرزا علی

کازرونی - حاج میرزا اسد الله خان - نصیر بوان

نصیر السلطنه - شیخ الاسلام ملایری - آفای

میرزا ابراهیم قمی - عدل السلطنه - شیخ

العرفان زاده آفای میرزا محمد صادق طباطبائی

حاج مقبل السلطنه - فهیم الملک - تدین -

ملک آرایی - عید الدمالک - ارباب کبخرسرو

اقبال السلطنه - بیان الدوّله مساوات - آصف

المالک - ناظم العلماء - رکن الملک ---

بهاء الملک - مدرس - مستشار السلطنه -

شیخ الاسلام ناینده اصفهان - صدر الاسلام

آفای شیخ ابراهیم زنجانی - سردار مفخم -

جلیل الملک - صدر ارایی - آفای سید حسین

کاشانی - بیان الملک - هاد السلطنه

خراسانی - دکتر افغان - آفای محمد تقی

سید یعقوب - وقار الملک - احتمام الدوّله

وحید الملک - آفای میرزا محمد تقی - آفای

سید کاظم زادی - سهام السلطنه - امین

الشریعه - آفای سید فاضل کاشانی - ملک

الشعراء

اسامي رد کنندگان

آفای سردار چنگ - آفای منتصر الملک

یکوره کبود بدون امضاء

رئیس - رأی در رایورش کمیسیون

برای سال آتبه دولت مخارجی که لازم  
باشد یکدفعه درنظر گرفته و تقدیم مجلس  
خواهد نمود ولی این مسئله بخصوص چون  
خوبی لازم بود از طرف دولت پیشنهاد  
شد و کمیسیون هم تصویب نمود.

رئیس - آفای آفای سید فاضل -  
مستشار السلطنه موافقند؟

مستشار السلطنه - بلی  
رئیس - آفای سلیمان میرزا

(اجازه)

سلیمان میرزا - این مسئله که

میخواهم عرض کنم چیزی نیست که ام

وافق و مخالف برد شود این بایک اصلی

است که مکروه گفته ام و گمان میکنم تمام

آفایان هم با بنده موافق باشند و آن اصل

کلی عبارت از این است که باستی مجلس

بهم جمع و خرج یکسال رای بدهد و هر

بدهد نه اشخاصی که مالیات میدهند باستی

یول بدهند و نه اشخاصی که باستی مخارج

بتوسط آنهاشود حق خرج کردن دارند

زیرا در قانون اساسی تصریح دارد

بودجه برای یکسال مشتمل بر جمیع و خرج

است و باید هر سال ما اجازه این مبالغ را

بدهد و کسی نباید بدهد و این ترتیب در همه

جا هست اینکه ما هنوز موفق نشده ایم بایک

بودجه کلی ترتیب بدهیم برای اینست که

همیشه جزء بجزء رای داده ایم؛ یکلاعه

میاورند و میگویند فوری است. هر چیزی

که دولت محتاج است ویرای خیر مملکت

لازم باشد فوری است البته اگر لازم باشد

فوري است البته اگر لازم نباشد دولت خرج

نمیکند ولی خوب است مطابق معمول تمام

این مخارج را دریک بودجه رای بدهیم؛

و قنایت اینکه از اینکه کمیسیون بجزء

لایحه جمع و خرج کلا رای داده میشود این است

که بنده نه تنها با این لایحه مخالفم بلکه